

مقدمه ناشر

قدرت باور و ایمان

اگه تو دوران کودکی یکی بهمون می گفت می خوام چی کاره شی، چی می گفتیم؟

یکی می گفت خلبان، یکی پزشک، یکی مهندس، یکی دیگه نونوا و ... (خود من کشتی ساز 😊)

اما تمام تفکرات و علاقه‌ها برگرفته از محیط اطراف ما و گفته‌های بزرگ‌ترها بود. وقتی بزرگ‌تر شدیم و پا به عرصهٔ مدرسه و دبیرستان و انتخاب رشته گذاشتیم، فهمیدیم که تموم اون‌ها یه داستان بوده و اگه بخوایم واقعی به اون آرزوها برسیم، خیلی خیلی باید تلاش کنیم و قوی باشیم. البته شاید خیلی‌ها هم به همون خواسته‌های کودکی شون رسیده باشن که اصلاً غیرممکن نیست. اما چیزی که خیلی مهمه، باورها، عقیده‌ها و تلاش‌های ماست که مسیر زندگی‌مونو می‌سازه و ما رو به هدفمون نزدیک می‌کنه. این‌که ما توی آینده چه چیزی رو برای خودمون متصور می‌شیم و خودمونو توی چه جایگاهی می‌بینیم؟ چه قدر برای هدف‌هامون تلاش می‌کنیم؟ چه قدر براشون بی‌خوابی می‌کشیم؟ و ...

اما بدونید که اگه با باور صددرصدی قلبی و با تمام انرژی و تلاش برای خواسته‌هامون تلاش کنیم، بی‌شک به تمام خواسته‌هامون می‌رسیم، چراکه خدای این دنیا و تمام کائنات خودشونو موظف و مکلف به این می‌دونن که تو رو به خواسته‌هات و آرزوهات برسونن، اما چی مهمه؟

مهم‌ترین چیز، تلاش تو، ایمان تو، باور قلبی تو به خدا و موجودیت خودته. پس حتماً خودتو توی اون جایگاه و نقطه‌ای که آرزوته و داری براش تلاش می‌کنی، ببین که بی‌شک، قطعاً، حتماً، مطمئناً!! 😊 بهش خواهی رسید.

«انسان‌ها برای بودن هستند نه برای ماندن.»



مقدمه مؤلف

نیاز بزرگی که نبود! یک وقت به چیزی نیاز داری که هست. یک وقت به چیزی نیاز داری که نیست. این دومی، حتی اگر نیاز کوچک‌تری باشد، همیشه توی ذهنت بزرگ جلوه می‌کند و اگر پیداش نکنی، روی دلت می‌ماند. نیاز به نردبام علوم و فنون، نیاز بزرگی بود، که نبود.

قضیه اندازه! برای این که به نیازش برسد آدم، باید از نیازهای دروغی و کاذب جداش کند. وقتی هنوز به کارهای کوچک نیازمندی، به بزرگ‌ها نمی‌رسی. کتاب درسی و منابع اولیه را نگاهی بینداز، بعد بیا نردبام. نکته خوب بین و تست خاص بز. رفتار درست با نردبام، این طوری‌ست؛ مثلاً اینجا در درس‌نامه به توضیح واضحات نیاز نداری. خب، نداده‌ام. در پاسخ تشریحی، جدول و تقطیع لازم نداری، نیاورده‌ام. جای این‌ها، نکته سؤال را گفته‌ام، چیزی یاد بگیری. هر چیز اندازه‌ای دارد و مهم است که کم‌تر و بیشتر، خرجش نکنیم.

حرف تازه، هدف تازه! خیلی چیزها را این‌جا اولین بار است می‌خوانی و می‌شنوی. حرف، اصلاً همین است و هدف، اصلاً همین، که: «اگر قرار باشد بیشتر و بهتر و طور دیگر بخوانم، چه طوری‌هست؟» و «اگر بخوایم خوب‌تر و خاص‌تر و جور دیگر تست بزیم، چه طور می‌پرسی؟» نردبام، تکرار مکررات، با طرح تست‌های بی‌برنامه و سخت‌کردن‌های بی‌معنی نیست. چیزی است که کار یادت بدهد. موضوعات ناب، سرفصل‌های خاص، تیپ‌های خلاقانه، نکته‌های نگفته، نگاه نو و معرفی و رونمایی سطوح تازه‌ای از دسته‌بندی‌ها، مانند «تحلیل شعر، تغییر و تصرف، مهارت خواندن و تسلط به موضوع» را، این‌جاست که می‌بینی. هر پله در نردبام فنون، یعنی: «خب، دیگر چه می‌شود پرسید؟» و «از کسی که بیشتر می‌داند، چه طور باید پرسید؟»

ساختار کتاب! کتاب شامل چهار فصل است، به ترتیب زیر. معرفی هر کدام و محتوای درس‌نامه‌ها را ببین:

- **عروض و قافیه:** شامل نکاتی که برای تسلط کامل بر موضوع، لازم است و کتاب درسی و منابع دیگر از آن‌ها بی‌بهره‌اند.
- **تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی:** دارای دسته‌بندی‌های خاص که معیارشان نکته‌سنجی و مقایسه و تمرکز بر جزئیات است.
- **آرایه‌های ادبی:** حاوی مطالب تازه‌ای درباره‌ی هویت یک آرایه، شروط و نکات و انواع و ریخت‌ها و نمونه‌های آن، شباهت و تفاوت آن با آرایه‌های مشابه، باورهای درست و غلط درباره آن، و در نهایت، نگاه و سلیقه و خطای طراح کنکور درباره آن آرایه.
- **قربابت معنایی:** دربرگیرنده‌ی گزیده‌ی مفاهیم تمامی دروس و کارگاه‌ها، به صورت درس‌به‌درس و توضیح مفاهیم برجسته و پرتکرار.
- **هزار نکته باریک‌تر ز مو!** در بخش تست‌ها، در هر چهار فصل کتاب، پرسش‌هایی هدفمند، با طبقه‌بندی درس‌به‌درس یا موضوعی - بسته به موضوع فصل - طراحی شده که قرار است داشته‌ها و خواننده‌های مخاطب واقعی و جدی را بسنجد؛ شامل سوالات تألیفی جاندار و عمدتاً دشوار، به همراه مهم‌ترین سوالات کنکورهای اخیر. روی هم، دقیقاً ۱۰۰۰ تست. به نظرم از یک جایی به بعد، تست باید بتواند مخاطب را، دانش‌آموز و معلم را متوقف کند؛ نگه دارد و به فکر وادار کند که: «سؤال، دقیقاً چه چیزی را پرسیده» و «حالا جوابش چه طور به دست می‌آید؟» تازه، کشف مجهول سؤال، و بعد هم پاسخ دادن به آن، به یک «سطح متعالی» از اطلاعات نیاز دارد و اصلاً درس‌نامه‌ها با همین هدف آمده‌اند، وگرنه نردبام، اصولاً جای توضیح و تدریس نیست.

از بالای نردبام! نردبام برای اوج گرفتن نوشته شد. خودت را که بشناسی، هدف‌ت را که بدانی، نشانی را که درست آمده باشی، تازه رسیده‌ای پای نردبام. بعد، پله‌پله خودت را بالا می‌کشی. تمام که می‌شود، از بالای نردبام که نگاه می‌کنی، خیلی‌ها را می‌بینی که هنوز روی زمین مشغول بازی‌اند و کنکور را که روی پله دوم، سوم، خوابش برده.

قدرشناسی! و قدرشناسی خودم را ابراز می‌کنم نسبت به همه‌ی همراهانم در شکل‌گیری کتاب:

دکتر امید نصری، مدیرعامل محترم انتشارات، دکتر کمیل نصری، مدیر محترم محتوا، جناب آقای علیرضا شعبانی، مدیر محترم تألیف، خانم‌ها: مریم طاهری و الهه آرانی مسئولین محترم پروژه؛ خانم زهرا بختیاری برای همکاری در ایده‌پردازی و تولید محتوای اثر؛ همکاران گرامی، میرمحمدحسین صدر، دلاور حسین‌پور، معصومه رحمانی، سیما کنفی، حسن شعبان‌زاد و بهروز ثروتی، برای ویرایش علمی کتاب، خانم آیلین اسلامی برای اشاره به دو نکته ارزشمند در پاسخ‌ها، و همکاران هنرمند من در واحد تولید، برای ویرایش فنی، صفحه‌آرایی، گرافیک و طراحی جلد.

و همین‌طور سپاسگزارم صمیمانه از برادر گرامی، سعید احمدپور، برای ارائه نظرات ارزنده در شکل‌گیری نردبام علوم و فنون ادبی جامع.

مهدی نظری



فهرست

بخش اول: عروض و قافیه

۱۱۵.....	جناس	۸.....	مبانی عروض
۱۱۷.....	اشتقاق	۱۲.....	وزن شعر
۱۱۸.....	سجع	۲۳.....	اختیارات شاعری
۱۱۹.....	موازنه	۳۶.....	تست‌های ترکیبی اختیار زبانی و وزنی
۱۲۲.....	ترصیع	۴۲.....	قافیه
۱۲۴.....	لّف و نشر	۵۳.....	تست‌های ترکیبی جامع ...
۱۲۵.....	اغراق		
۱۲۶.....	تلمیح		
۱۲۸.....	تضمین		
۱۲۹.....	ایهام		
۱۳۱.....	ایهام تناسب		
۱۳۴.....	حسن آمیزی		
۱۳۵.....	حسن تعلیل		
۱۳۷.....	اسلوب معادله		
۱۳۸.....	تشبیه		
۱۴۰.....	استعاره		
۱۴۲.....	کنایه		
۱۴۳.....	مجاز		

بخش چهارم: قرابت معنایی

پایه دهم

۱۷۶.....	مبانی تحلیل متن
۱۷۷.....	سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار ...
۱۷۸.....	واج آرایی، واژه آرایی (تکرار)
۱۷۹.....	کارگاه تحلیل فصل اول
۱۸۱.....	هماهنگی پاره‌های کلام
۱۸۲.....	سجع و انواع آن

بخش سوم: آرایه‌های ادبی

۱۰۸.....	مراعات نظیر (تناسب)
۱۰۹.....	تضاد
۱۱۰.....	پارادوکس
۱۱۲.....	واج آرایی (نغمه حروف)
۱۱۴.....	واژه آرایی (تکرار)

بخش دوم: تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

۵۷.....	مبانی تحلیل متن
۵۹.....	تاریخ ادبیات پیش از اسلام و ...
۶۳.....	سبک و سبک‌شناسی ...
۶۷.....	زبان و ادبیات فارسی ...
۷۱.....	ادبیات قرن ۷ و ۸ و ۹
۷۶.....	سبک عراقی (سبک‌شناسی قرن‌های ...)
۸۰.....	تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۱۰ و ۱۱ ...
۸۳.....	سبک هندی
۸۸.....	تاریخ ادبیات قرن‌های ۱۲ و ۱۳ ...
۹۲.....	سبک‌شناسی قرن‌های ۱۲ و ۱۳ ...
۹۶.....	تاریخ ادبیات قرن ۱۴ ...
۱۰۳.....	سبک‌شناسی دوره معاصر و ...

۲۱۳..... کنایه

۲۱۴..... کارگاه تحلیل فصل چهارم

■ ■ ■ پایه دوازدهم ■ ■ ■

۲۱۵..... تاریخ ادبیات قرن‌های ...

۲۱۷..... پایه‌های آوایی ناهمسان

۲۱۸..... مراعات نظیر، تلمیح و تضمین

۲۱۹..... کارگاه تحلیل فصل اول

۲۲۱..... سبک‌شناسی قرن‌های ...

۲۲۲..... اختیارات شاعری (۱): زبانی

۲۲۳..... لّف و نشر، تضاد و متناقض‌نما

۲۲۵..... کارگاه تحلیل فصل دوم

۲۲۶..... تاریخ ادبیات قرن چهاردهم

۲۲۷..... اختیارات شاعری (۲): وزنی

۲۲۹..... اغراق، ایهام و ایهام تناسب

۲۳۰..... کارگاه تحلیل فصل سوم

۲۳۱..... سبک‌شناسی دوره معاصر و ...

۲۳۳..... وزن در شعر نیمایی

۲۳۴..... حسن تعلیل، حس آمیزی و ...

۲۳۵..... کارگاه تحلیل فصل چهارم

۲۳۷..... تست‌های ترکیبی قرابت معنایی

۲۴۸..... تست‌های ترکیبی جامع

۲۵۷..... پاسخ‌نامه تشریحی

۳۳۶..... پاسخ‌نامه کلیدی

۱۸۳..... کارگاه تحلیل فصل دوم

۱۸۵..... سبک و سبک‌شناسی (سبک خراسانی)

۱۸۶..... وزن شعر فارسی

۱۸۷..... موازنه و ترصیع

۱۸۹..... کارگاه تحلیل فصل سوم

۱۹۰..... زبان و ادبیات فارسی در سده‌های ...

۱۹۱..... قافیه

۱۹۲..... جناس و انواع آن

۱۹۴..... کارگاه تحلیل فصل چهارم

■ ■ ■ پایه یازدهم ■ ■ ■

۱۹۵..... تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ...

۱۹۶..... پایه‌های آوایی

۱۹۷..... تشبیه

۱۹۹..... کارگاه تحلیل فصل اول

۲۰۰..... سبک‌شناسی قرن‌های ...

۲۰۱..... پایه‌های آوایی همسان (۱)

۲۰۲..... مجاز

۲۰۴..... کارگاه تحلیل فصل دوم

۲۰۵..... تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ...

۲۰۶..... پایه‌های آوایی همسان (۲)

۲۰۷..... استعاره

۲۰۹..... کارگاه تحلیل فصل سوم

۲۱۰..... سبک‌شناسی قرن‌های ...

۲۱۱..... پایه‌های آوایی همسان دولختی

بمختص اول

عروض وقافية

مبانی عروض

دروس ۵۲ - پایه دهم

✓ معرفی و مرور برای تسلط بر مبحث مهم عروض و قافیه و کسب مهارت پاسخ به سؤالات، لازم است مبانی عروض، از جمله واج و هجا و نکات و جزئیات آن‌ها را مرور کنی.

واج

نشانه‌هایی با چند هویت می‌دانی که در واج‌نویسی، «صدا»ها مهم‌اند و نه «حرف»ها. شکل نوشتاری، هر چه که باشد، صدای آن است که تعیین می‌کند این کدام واج است؛ صامت است یا مصوت. نمونه‌هایی از نشانه‌های نوشتاری (حروف الفبا) را که ظاهر یکسان، اما نام‌ها و کاربردهای متفاوتی دارند، در جدول می‌بینی:

حرف	صدا	نمونه	واج‌نویسی	نوع واج	در مصراع	نمونه‌های بیشتر
و	/v/	ورزش	وا / را / زا / ش	صامت	توانا بود هر که دانا بود	هوا، آوا، مداوا، قوی، ناو
	/w/	طور	طا / تا / وار	صامت	مستی شد و نوبت خمار است	توصیه، دوره، شورا، موجود، تندرو
	/o/	تو	ت / تـ / تو	مصوت کوتاه	تو آنی کز آن یک مگس رنجه‌ای	دو، توکیو، زورو، مانتو، روزان
	/u/	یوز	ی / و / ز	مصوت بلند	نور تویی سوز تویی دولت منصور تویی	کو، گیسو، بوسه، شرور
ی	—	ذوالفقار	ذ / ل / ف / ق / ا / ر	غیرملفوظ	کردند ذوالفقار تو را بی‌قرار نام	ابوالفضل، بوالهوس
	/i/	دیر	د / ی / ر	مصوت بلند	ای مسلمانان ز جان سیر آمدم	سیمای، آناهیتا، شادی، متین، شیراز
	/y/	دیر	د / ی / ر	صامت	غیر را در این معانی نیست سیر	میل، غیب، حیف، سیلاب، حسین
	—	فناء فی الله	... / ف / ل / ل / ل / ه	غیرملفوظ	به‌جز از فناء فی الله ره بقا نباشد	فی‌الواقع، ذی‌الجلال

مسئله همزه همزه یک صداست که با علامت «ء» نشان داده می‌شود؛ یک حرف صامت است و در کلمه‌ها، صدایی دقیقاً مانند «ع» دارد. هر هجایی که ابتدای آن نشانه «ا» به هر شکل، دیده می‌شود، حتماً در ابتدای خود همزه دارد. همین‌طور، بسیاری از حروفی که به صورت «و» و «ی» نشان داده می‌شوند، صدای همزه می‌دهند. این نشانه‌های «ا» و «و» و «ی»، در حقیقت، یک «پایه» و یک «کرسی» (صندلی) هستند که همزه به کمک آن‌ها در میان حروف تشکیل‌دهنده کلمه، جایگاهی پیدا می‌کند. از آن‌جا که شکل اصلی همزه (ء) دنباله‌ای روی خط زمینه ندارد، برای چسباندن آن به حروف قبل و بعد و همین‌طور برای به چشم آمدنش در واژه، از «کرسی همزه» استفاده می‌کنیم. انواع حرکات همزه و شکل نوشتاری آن‌ها را همراه با نمونه‌های مهمی در جدول می‌بینی.

وضعیت‌های مختلف حرکت همزه

حرکت همزه	شکل نوشتاری	نمونه	واج‌نویسی	نمونه‌های بیشتر
ساکن	ء - اُ - وُ - ئُ - یُ	شئء	ش / ی / ا / ء	تَلَأَلُوْا، مَأْمُورٌ، مَنَشَأُ، مَبْدَأُ، مَثَلًا لِّیْ
فتحه	أ - ئَ	مَسْئَلَه	م / ا / س / ا / ث / ل / ل / ی	أَسْب، أَدَب، تَوَامٌ، جُرَاتٌ، نَشَاتٌ
کسره	إ - ئِ	فائِزَه	ف / ا / ث / ی / ز / ی	إِمْسَبٌ، إِشَارَه، إِطْلَاعٌ، اِنتِخَابٌ، كَائِنَاتٌ
ضمّه	أ - ئَ	أُنْس	ا / ن / س	أَخْتٌ، أَفْتَادٌ، أَتَاقٌ، أَجَاقٌ، أَصُولٌ
مصوت بلند «ا»	آ - ئَا	آرَد	ا / ر / د	آبَانٌ، آسْمَانٌ، آذِینٌ، آرایه، اِثْمَامٌ
مصوت بلند «ی»	ای - ئِ - یِ - ئِ	اِیْل	ا / ی / ل	رِفْتَه‌ای، اِیْرانٌ، پِرَوْتِینٌ، اِیْلَامٌ، اِیْمَنٌ
مصوت بلند «و»	او - ئَو	او	ا / و	اوست، اورامان، اورشلیم، اوفتاد، زانو

نکات مهم واج

- ۱ فقط خواندنی‌ها: در واج‌نویسی، هر چه خوانده می‌شود، نوشته می‌شود: نمایش: ن / م / ا / ی / ش
- ۲ تشدید: حرفی را که با تشدید خوانده می‌شود، در واج‌نویسی دو بار می‌نویسیم: گله: گ / ل / ل / ل =
- ۳ «ه» غیرملفوظ: «ه» غیرملفوظ (نخواندنی) را در واج‌نویسی نشان نمی‌دهیم: دسته‌دسته: د / ل / س / ت / ل / د / ل / س / ت / ل =

۱- در فارسی معیار (فارسی رسمی) این‌طور است؛ در بعضی مناطق کشور، تلفظ «ء» و «ع» با هم فرق دارند؛ «ء» نرم‌تر و بدون فشار تلفظ می‌شود و «ع» غلیظ و از داخل حلق (مانند تلفظ این حرف در زبان عربی).

۲- جز در بعضی موارد، مثلاً جایی که همزه، آخرین حرف واژه باشد: شئء



- ۴ «ا» و «ال» عربی: نشانه «ا» یا «ال» را که در برخی واژه‌های عربی خوانده نمی‌شود، در واج‌نویسی نشان نمی‌دهیم: اِيْهَالْتَّاس:
- ا / ء / ي / ي / ا / ء / ه / ل / ن / ن / ا / س
- ۵ الف مقصوره: حرف «ی» (الف مقصوره) را که در پایان برخی واژه‌های عربی دیده می‌شود، با نشانه مصوت بلند «ا» نشان می‌دهیم: موسی: م / و / س / ا
- ۶ واو معدوله: واو معدوله را در واج‌نویسی محسوب نمی‌کنیم: خواهان: خ / ا / ه / ا / ن
- ۷ «ی» کوتاه‌شده: صدای «ی» کوتاه داخل کلمات را با واج معادل آن، یعنی کسره (ـِ) نشان می‌دهیم: بیا: ب / ـِ / ی / ا
- ۸ واج اول: هیچ کلمه‌ای با مصوت شروع نمی‌شود؛ پس در واج‌نویسی گزینه‌هایی که با مصوت شروع شده‌اند، نادرست‌اند: اسب: م / ص / ص (نادرست)
- ۹ میم میم: در واج‌نویسی گزینه‌ای که دو تا مصوت کنار هم دارد، نادرست است! بانوان: ص / م / م / ص / م / م / ص (نادرست)

هجا

نکات مهم هجا

- ۱ تعداد واج در هجا: طبق الگوهای هجایی زبان فارسی، تعداد واج‌ها در هر هجا از ۲ تا ۴ تا است؛ یعنی هیچ هجایی کم‌تر از ۲ تا واج و بیشتر از ۴ تا واج ندارد.
- ۲ تعداد مصوت در هجا: هر هجا تنها یک مصوت دارد؛ پس تعداد هجاها در یک واژه و عبارت برابر با تعداد مصوت‌هاست. نازنین (۳ مصوت و ۳ هجا).
- ۳ جای مصوت در هجا: مصوت در هر هجا همیشه دومین واج هجاست؛ پس «ا، و، ی» وقتی مصوت بلند هستند که دومین واج هجا باشند: «باز»، «سوز»، «شیر»
- ۴ «الف» آغاز هجا: هیچ هجایی با مصوت شروع نمی‌شود؛ پس هر واژه‌ای و اصلاً هر هجایی که اولش «ا» دارد (حالا به هر صورت: آ، ا، ای، او)، حتماً اولین واجش صامت همزه (ء) است: استعداد: ء / ـِ / س / ت / ـِ / ع / د / ا / د
- ۵ هجای کشیده: هر هجای کشیده معادل با یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است. ۳
- ۶ حرکت اضافه: در هجای کشیده، به صامت آخر یک حرکت بده (مثلاً ـِ)؛ این باعث می‌شود هجای کشیده را اشتباهاً هجای بلند تصور نکنی!
- شعر ← شعر ← شع | رُ ← ل _ : یک هجای کشیده (معادل یک بلند و یک کوتاه)
- و اگر هجای کشیده، مصوت بلند دارد، صامت آخر را حذف کن و به صامت قبلی حرکت بده (مثلاً ـِ): کارد ← کارُ ← کا | ز؛ یک هجای کشیده (معادل یک بلند و یک کوتاه)

نون ساکن

تأثیر حذف نون ساکن بر تلفظ مصوت بلند در قضیه «حذف نون ساکن»، حقیقت این است که حرف «ن» هیچ وقت واقعاً حذف نمی‌شود! بلکه کاملاً هم شنیده می‌شود و نکته‌ای که وجود دارد و تغییری که در تلفظ اتفاق می‌افتد، مربوط است به «مصوت بلند قبل از نون» و «کوتاه‌تر تلفظ شدن این مصوت بلند» و اصلاً ربطی به خود «نون» ندارد! وقتی می‌گوییم «جان» و «خون» و «دین»، این «ا» و «و» و «ی» را قدری کوتاه‌تر از حالت معمولی‌شان تلفظ می‌کنیم؛ کوتاه‌تر از وقتی که بعدشان نون ساکن نباشد. این نمونه‌ها را ببین و تلفظ مصوت بلند را در آن‌ها مقایسه کن!

قاعده حذف نون ساکن

واژه	واج‌نویسی	وضعیت	واژه	واج‌نویسی	وضعیت
جام	ج / ا / م	تلفظ مصوت بلند	جان	ج / ا / ن	کوتاه تلفظ شدن مصوت بلند «ا» (به جای این می‌گوییم: حذف نون ساکن!)
خوب	خ / و / ب	تلفظ مصوت بلند	خون	خ / و / ن	کوتاه تلفظ شدن مصوت بلند «و» (به جای این می‌گوییم: حذف نون ساکن!)
دید	د / ی / د	تلفظ مصوت بلند	دین	د / ی / ن	کوتاه تلفظ شدن مصوت بلند «ی» (به جای این می‌گوییم: حذف نون ساکن!)

۱- «واو معدوله» واوی است که در برخی کلمات فارسی، باقی مانده، ولی خوانده نمی‌شود.

۲- زیرا «ی» در این حالت، به کوتاهی کسره تلفظ می‌شود.

۳- در شمارش هجاهای مصراع - که بعداً به آن «تقطیع هجایی» می‌گوییم و در ادامه می‌خوانی - لازم است هر هجای کشیده را به دو هجا (یکی بلند و یکی کوتاه) تفکیک کنیم تا به غلط، برای آن، تنها یک هجا و تنها یک علامت هجایی در نظر نگیریم!



گروه‌های وزنی		
شماره	وزن	نمونه
۴	مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعل مفعولُ مفاعیلن // مفعولُ مفاعیلن	تا کی به تمنای وصال تو یگانه تقدیر که بر کشتنت آزم نداشت وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها
۵	مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلن مفعولُ فاعلاتن // مفعولُ فاعلاتن	امروز روز شادی و امسال سال گل ای آن که غمگنتی و سزاواری ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی
۶	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن	مرادر منزل جانان چه امن عیش؟ چون هر دم الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز
۷	فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعل	به سبزه درون لاله نوشکفته نخواهم به گیتی جز از راستی
۸	مفاعلن فعلاتن // مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن	گرم عذاب نمایی به داغ و درد جدایی به حسن و خُلق و وفا کس به یار ما نرسد
۹	مفعولُ مفاعلن مفاعیلن مفعولُ مفاعلن فعولن	از کرده خویشتن پشیمانم لاف از سخن چو دُر توان زد

تک‌وزن‌ها

۱ مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن:

○ ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود وان دل که با خود داشتیم با دل‌ستانم می‌رود

۲ فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن:

○ دل من نه مرد آن است که با غمش برآید مگسی کجا تواند که بیفکند عقابی؟

۳ فعلاتن مفاعلن فعلن:

○ یار ما گرچه جور بی‌حد کرد جز وفا کس به جای او نکند

۴ مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع:

○ ماه فروماند از جمال محمّد سرو نباشد به اعتدال محمّد

۵ مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن:

○ گر به تو افتدم نظر چهره به چهره رو به رو شرح دهم غم تو را نکته به نکته مو به مو

وزن‌هایی با دو نام

بعضی وزن‌ها را به دو صورت می‌شود نام‌گذاری کرد و در واقع دو جور «پُرش» داد؛ یعنی در جداسازی، هم می‌توان ابتدا ۳ تا هجا را جدا کرد و هم ۴ تا را و بعد، رکن معادل با هر کدام را نوشت و جداسازی را با ۳ یا ۴ رکن ادامه داد، تا آخر. در این صورت، دو «ترتیب متفاوت از ارکان» و در نتیجه دوتا «اسم وزن» به دست می‌آید. فراموش نکن که این‌ها فقط «دو اسم» هستند برای «یک وزن»، نه «دو وزن متفاوت»! در جدول، وزن‌هایی را که با دو نام رایج شده‌اند، می‌بینی:

وزن‌های دواسمی		
نمونه	اسم دوم	اسم اوّل
ای وای که در شهر گدایی قدغن شد ولگردی و انگشت‌نمایی قدغن شد	مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستف	مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن
افلاک که جز غم نفزایند دگر نُهنند دگر تا نربایند دگر	مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فع	مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعل

۱- در امتحان نهایی بارها سابقه داشته که طراح این دوتا را با هم اشتباه می‌گیرد! به طور کلی در امتحان نهایی وقتی می‌پرسند: «کدام بیت دو وزن دارد؟» منظور، بیتی است که وزنش دوتا اسم دارد!

وزن‌های دواسمی

اسم اول	اسم دوم	نمونه
مفعولُ مفاعیلن // مفعولُ مفاعیلن	مستفعلُ مفعولن // مستفعلُ مفعولن	ای پادشاه خوبان داد از غم تنهایی دل بی تو به جان آمد وقت است که بازایی
مفعولُ فاعلاتن مفاعیلن	مستفعلن مفاعلُ مفعولن	ای دل عبث مخور غم دنیا را فکرت مکن نیامده فردا را
مفعولُ فاعلاتن // مفعولُ فاعلاتن	مستفعلن فعولن // مستفعلن فعولن	ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی پیوند روح کردی پیغام دوست دادی
مفعولُ فاعلاتن مفاعیلُ فاعلن	مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فعل	ای در درون جانم و جان از تو بی‌خبر وز تو جهان پر است و جهان از تو بی‌خبر
مفعولُ مفاعیلن مفاعیلن	مستفعلُ فاعلاتن مفعولن	بر وعده مرا شکیب فرمایی تا کی کنم ای صنم شکیبایی؟
مفعولُ مفاعیلن فعولن	مستفعلُ فاعلاتن فعلن	ای هست کن اساس هستی کوتاه ز درت درازدستی

وزن دوری (همسان دولختی)

وزن دوری یا متناوب، وزنی است که هر مصراع آن شامل دو بخش تکراری است؛ این‌طوری: مفتعلن فاعلن // مفتعلن فاعلن

گزیده وزن‌های دوری

وزن	نمونه
مفتعلن فاعلن // مفتعلن فاعلن	چیست از این خوب‌تر در همه آفاق کار؟ دوست به نزدیک دوست، یار به نزدیک یار
مفتعلن مفاعیلن // مفتعلن مفاعیلن	چهره با جمال تو مایه دهد جمال را غیغب چون هلال تو بدر کند هلال را
مفاعیلن فاعلن // مفاعیلن فاعلن	یگانه دزی یتیم، عقیق لب، لعل فام به یازده‌سالگی، دو هفته ماهی تمام
مفاعیلن فعلاتن // مفاعیلن فعلاتن	نه در وصال تو بختم به کام دل برساند نه در فراق تو چرخم ز خویشتن برهاند
مفعولُ فاعلاتن // مفعولُ فاعلاتن	آن کیست کاندرا آمد بازی‌کنان از این در؟ رویی چو بوستانی از آب آسمان تر
مفعولُ مفاعیلن // مفعولُ مفاعیلن	دلبر صنمی دارم شگرلب و مرمر بر مرمر ز برش خیزد شگر ز لبش بارد
فعالن فاعلاتن // فعالن فاعلاتن	سر زلف تو نه مشک است و به مشک ناب ماند رخ روشن تو ای دوست به آفتاب ماند
مستفعلن فع // مستفعلن فع	ای خوش‌تر از جان، آخر کجایی؟ کی روی خوبت با ما نمایی؟

نکات مهم وزن دوری

- ۱ ارکان متناوب: وزن دوری، ارکان متناوب (یکی در میان) دارد و تمام مصراع، شامل تکرار یک رکن نیست: مفتعلن فاعلن // مفتعلن فاعلن
- ۲ مکث: در هر مصراع، بین دو بخش، معمولاً قدری مکث (کم یا زیاد) وجود دارد: سر به گریبان در است (مکث) صوفی اسرار را
- ۳ نیم‌مصراع: در وزن دوری، هر مصراع خودش شامل دو بخش تکراری است که به هر کدام یک «نیم‌مصراع» می‌گوییم:
 ○ ای خواجه نمی‌بینی این روز قیامت را این یوسف خوبی را این خوش قد و قامت را
 (مفعول مفاعیلن // مفعول مفاعیلن)
- ۴ پایان، بلند: هجای پایان نیم‌مصراع همیشه بلند در نظر گرفته می‌شود، حتی اگر در واقعیت، کوتاه یا کشیده باشد:
- ۵ هجاهای زوج: در وزن دوری، تعداد هجاهای هر مصراع، همیشه زوج است و هر نیم‌مصراع معمولاً ۵ یا ۷ هجا دارد.

تحلیل شعر

۱۸۹- دربارهٔ اختیارات شاعری بیت زیر، کدام گزینه درست است؟

«دارم غم جان کاهی، شب‌های سیاهی، دور از رخ ماهی نه بار و همراهی، جز قطره اشکی، جز شعله آهی»

(۱) در بیت روی هم چهار اختیار زبانی و وزنی یافت می‌شود.

(۲) تعداد اختیارات زبانی و وزنی بیت برابر است.

(۳) حذف بخش‌های مشخص‌شده، در تعداد اختیارات زبانی مؤثر، اما در اختیارات وزنی بی‌تأثیر است.

(۴) بیت، تنها دو اختیار زبانی دارد.

۱۹۰- با دقت در ابیات زیر، بگویید کدام گزینه توصیف درستی از آن‌ها دارد؟

«پیشۀ این چرخ چیست؟ مفتعلی نایدش از خلق شرم و نه خجلی

صبر کنم ناگزیر از آن زیرا کار نیاید نکوبه تنگدلی

از تو جهان رنج خویش چون گسلد؟ چون تو نخواهی طمع ز او گسلی؟»

(۱) در بیت‌ها، کم‌تر از چهار بار از قاعدهٔ حذف نون ساکن استفاده شده است.

(۲) شمار مجموع اختیارات وزنی در بیت‌ها کم‌تر از مجموع اختیارات زبانی است.

(۳) بیت‌ها هم‌وزن‌اند با مصراع «خوش‌تر از این گوشه پادشاه ندارد».

(۴) افزودن کلمات «هان»، «هیچ» و «باز» به ترتیب به پایان هر دو مصراع ابیات اول، دوم و سوم، دو اختیار وزنی به تنها یکی از بیت‌ها اضافه می‌کند.

تغییر و تصرف

۱۹۱- جایگزینی کلمات و ترکیبات کدام گزینه با بخش‌های مشخص‌شده در بیت زیر، پایه‌های «همسان دولختی» را به پایه‌های «همسان یک‌لختی»

تبدیل می‌کند، به طوری که بیت حاصل، اختیار قلب نداشته باشد؟

«خمر من و خمار من باغ من و بهار من خواب من و قرار من بی تو به سر نمی‌شود»

(۱) مستی من - هستی من - خیال من - می‌کنم خلوت من - لذت من - راحت من - می‌نشود

(۲) خمار دل - بهار دل - قرار دل - نکرده‌ام ساقی من - باقی من - خوراک من - نمی‌کنم

۱۹۲- در بیت زیر، جایگزینی عبارت «مرد سخن» با «مهبجور» به کدام تغییر می‌انجامد؟

«این نالان مرد سخن بیدل شیدا امروز یکی الکن در وصف تو باشد»

(۱) افزایش اختیارات زبانی و کاهش اختیارات وزنی افزایش اختیارات وزنی و کاهش اختیارات زبانی

(۲) عدم تغییر تعداد اختیارات زبانی و تغییر تعداد اختیارات وزنی عدم تغییر تعداد اختیارات زبانی و اختیارات وزنی

تسلط به موضوع

۱۹۳- در کدام گزینه موضوع بخش اول، لزوماً در تشخیص بخش دوم مؤثر نیست؟

(۱) تبدیل هجای بلند به دو هجای کوتاه - ابدال

(۲) رکن نخست مصراع - اختیار تبدیل فعلاتن به فاعلاتن

(۳) به گوش نرسیدن همزه - اختیار حذف همزه

(۴) رکن پایان مصراع و نیم‌مصراع - اختیار بلند در نظر گرفتن هجای پایانی

۱۹۴- دربارهٔ امکان و جایگاه و نوع «اختیارات شاعری» کدام گزینه درست است؟

(۱) اختیار تبدیل مصوت بلند به کوتاه می‌تواند در حروف میانی یک واژه پدید بیاید.

(۲) اختیار تبدیل فعلاتن به فاعلاتن در یک مصراع سه‌رکنی می‌تواند بلافاصله پیش از اختیار بلند در نظر گرفتن هجای پایان مصراع بیاید.

(۳) اختیار تبدیل مصوت کوتاه به بلند می‌تواند بلافاصله پس از اختیار تبدیل مصوت بلند به کوتاه بیاید.

(۴) اختیار قلب نمی‌تواند در مصراعی که اختیار ابدال در آن به کار رفته بیاید.

۱۹۵- کدام گزینه برداشت درستی از ابیات زیر دارد؟

«نیز نگیرد جهان شکار مرا نیست دگر با غمانش کار مرا

دیدمش و دید مر مرا و بسی خوردم خرماش و خست خار مرا

نیز نخواهد گزید اگر به هُشَم ناگاه از آستینت مار مرا»

(۱) یکی از بیت‌ها ایراد وزنی دارد.

(۲) جایگزینی واژه‌های «نیز» و «دید» و «اگر»، به ترتیب با «گرچه» و «دیده» و «گر» تأثیری در تعداد و نوع اختیارات شاعری ندارد.

(۳) مجموع اختیارات وزنی همهٔ ابیات با مجموع اختیارات زبانی آن‌ها برابر است.

(۴) مجموع اختیارات شاعری بیت میانی از بیت اول کم‌تر نیست و از بیت آخر بیشتر نیست.



پخش دوم
تاریخ ادبیات و
سبک‌شناسی

تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۱۰ و ۱۱

درس هفتم - پایه یازدهم

معرفی و مرور درس دربارهٔ وضع آشفتهٔ ادبیات در دوران حکومت جانشینان تیمور بحث می‌کند. بعد از ظهور شاعران بزرگی، مانند سعدی، مولوی و حافظ در سبک عراقی، در سال‌های بعد، به دلیل سلطهٔ طولانی و طاققت‌فرسای مغول‌ها و تیموریان، جایی برای رشد زبان و ادبیات فارسی باقی نماند. روی کار آمدن صفویان در قرن بعد و روی خوش نشان‌ندادن آنان به مدح و مهاجرت شاعران به هند، رفاه عمومی و ورود شعر به میان عامهٔ مردم، آشنایی با اروپا و تشکیل انجمن‌های نقد شعر، اتفاقات دیگر این دوره‌اند.

نکات مهم درس

- ۱ **جریان‌های شعری:** دو جریان شعری این دوره بسیار مهم‌اند: جریان «الف» لطیف و فصیح، که نمایندهٔ آن «باباغانی شیرازی» است. **ب** جریان «مکتب وقوع»
- ۲ **لقب:** القاب و عناوین شخصیت‌ها مهم و مورد سؤال‌اند: خلاق‌المعانی ثانی (لقب کلیم کاشانی)
- ۳ **علت رویدادها:** دلیل موضوعات و اتفاقات، مهم است؛ مواردی مانند علت «مهاجرت شاعران به هند».
- ۴ **دلیل شهرت:** علت شناخته شدن شخصیت‌ها اهمیت دارد؛ مثلاً باباغانی به دقت و ظرافت و «رقت معانی» شهرت دارد و محتشم به «ترکیب‌بند معروفش» و کلیم به «ابداع معانی و خیال‌های رنگین».

اسباب و علل

در جدول «اسباب و علل»، چند موضوع، پدیده و رویداد را می‌بینی و با دلایل رخدادن آن‌ها آشنا می‌شوی.

اسباب و علل

موضوع	علت
روآوردن شاعران به دربارهای هند در قرن ۱۰	۱. کم‌توجهی شاهان صفوی به شاعران ۲. شاعرنوازی و ادب‌گرایی سلاطین هند
مهاجرت مدیحه‌سرایان به هند در قرن ۱۱	بهبود دادن به شعر ستایشی (قصیده و مدح) در ایران
افزایش مدعیان شعر و شاعری در قرن ۱۱	۱. وابسته‌نبودن شعر به دربار ۲. از بین رفتن طبقهٔ مدیحه‌سرایان درباری
مورد توجه قرار گرفتن مسائل فرهنگی و هنری در دورهٔ صفویه	۱. برخی از شاهان صفوی مقام شیخی و رهبری طریقت داشتند و می‌خواستند خود را در این جایگاه نگه دارند. ۲. شاهان صفوی با رؤسای مذاهب در تماس نزدیک بودند. ۳. شاهان صفوی، رقاباتی مانند عثمانی‌ها و هندی‌ها داشتند که آن‌ها هم، به مسائل فرهنگی توجه می‌کردند.
پرداختن به فرهنگ و ادبیات در قرن ۱۱	۱. رفاه اقتصادی مردم ۲. آبادانی شهرهای ایران ۳. رونق تجارت و کسب و کار
برجستگی زبان کلیم کاشانی	ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره که زبان غزل سبک هندی را به افق خیال عامه نزدیک کرده است.

القاب و عناوین

در جدول «القاب و عناوین» با نام چند شخصیت که در حرفهٔ خود، به عنوان و لقبی مشهور بوده‌اند، آشنا می‌شوی. این القاب و عناوین را خوب یاد بگیر؛ ممکن است در پرسش‌ها به جای نام شخصیت، به لقب او اشاره شود.

القاب و عناوین

لقب	مصدق
خلاق‌المعانی ثانی	کلیم کاشانی
خداوندگار مضامین تازهٔ شعری	صائب تبریزی

رویدادها

در جدول «رویدادها»، به مهم‌ترین حوادث و اتفاقات و وقایع یک سبک و دوره اشاره شده است. این رویدادها، نتیجه وجود عواملی بوده‌اند و خودشان هم، می‌توانند زمینه‌ساز بروز حوادث دیگری باشند.

رویدادها

توضیح	رویداد
حکومت صفوی پس از کشاکش‌های به‌وجودآمده در قرن ۱۰ در ایران روی کار آمد.	ظهور حکومت صفوی
۱. در قرن دهم به دلیل کم‌توجهی و بی‌مهری شاهان صفوی نسبت به شاعران و از سوی دیگر، شاعرانوازی و ادب‌گرایی سلاطین هند، شاعران به دربارهای هند روی آوردند و با شوق و شور تمام راهی آن‌جا شدند. ۲. در قرن یازدهم به دلیل بهاندادن به شعر ستایشی در ایران، شاعران مدیحه‌سرا برای امرار معاش یا ثروت‌اندوزی به هند رفتند.	رفتن شاعران به دربارهای هند

عددها

در جدول عددها، هر عدد و رقم و نمبر و شماره و به‌ویژه هر تاریخی که در درس مورد اشاره بوده، با موضوع و کاربردش معرفی شده است. این کار کمک می‌کند عددها را جداگانه و بیرون از جمله‌های خشک و خسته‌کننده کتاب درسی ببینی.

عددها

رویداد	عدد
تعداد جریان‌های شعری در قرن ۱۰	۲
۱. در این قرن حکومت در دست جانشینان تیمور بود. ۲. اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در این دوره به طور کلی و وضع ادبیات نیز به تبع آن، آشفته شده بود. ۳. حکومت صفوی پس از کشاکش‌های به‌وجودآمده در ایران روی کار آمد و مذهب شیعه را ترویج کرد.	۱۰

ترین‌ها

در جدول «ترین‌ها»، همه موارد و موضوعاتی که نسبت به همانندهای خود برجستگی ویژه‌ای دارند؛ مثلاً در یک گروه، به عنوان «اولین» یا «بهترین» یا «مهم‌ترین» شناخته می‌شوند، معرفی شده‌اند.

ترین‌ها

موضوع	مصدق	رکورد
شاعر سبک هندی	صائب تبریزی	معروف‌ترین
شاعران فارسی‌زبان	صائب تبریزی	از پرکارترین

درست و نادرست

در جدول «درست و نادرست»، گزیده‌ای از عبارات درس، اول به صورت دست‌کاری‌شده و نادرست و بعد به صورت درست آمده‌اند تا بدانی جمله و عبارتی که اطلاعات درستی می‌دهد، چه‌طور می‌تواند با یک تغییر کوچک، کاملاً معنی متفاوت و حتی متضادی پیدا کند. جمله‌هایی که در ستون «عبارت نادرست» می‌بینی، الگوهایی برای شناخت گزینه‌های انحرافی و غلطانداز در آزمون‌های سراسری‌اند.

درست و نادرست

عبارت نادرست	تصحیح خطا
در قرن ۱۰ حکومت در دست جانشینان چنگیز بود.	در قرن ۱۰ حکومت در دست جانشینان تیمور بود.
در قرن ۱۰ آشنایی با تفکرات و معارف اعراب در تغییر سبک دخیل بود.	در قرن ۱۰ آشنایی با تفکرات و معارف هندوان در تغییر سبک دخیل بود.
شاهان صفوی در ترویج و نفوذ زبان عربی در ایران نقش مهمی داشتند.	شاهان صفوی در ترویج و نفوذ زبان ترکی در ایران نقش مهمی داشتند.
حکومت صفوی مذهب اهل سنت را در ایران ترویج کرد.	حکومت صفوی مذهب شیعه را در ایران ترویج کرد.



۴۷۱- عبارات‌های زیر را طوری مرتب کنید که به ترتیب، دربرگیرنده «اولین رمان اجتماعی، اولین نمونه نثر داستانی معاصر و اولین نمایشنامه فارسی» در سال ۱۳۰۱ باشند.

- (الف) در فرنگستان می‌گویند ایرانی‌ها هر کدام یک حرم‌خانه دارند که پر از زن است. (یکی بود، یکی نبود)
 (ب) این یاسای ایلخانی است که جماعت مغول دختر به تاجیک ندهند. (شمس و طغرا)
 (ج) در این محله قهوه‌خانه‌های زیادی وجود دارد که هر یک از آن‌ها پاتوق دسته‌ای از این مردم می‌باشد. (تهران مخوف)
 (د) مشهدی اکبر: خب، آقا جون، ای‌شالله خوش گذشت این چند سال؟ جعفر خان: بد نگذشت. (جعفر خان از فرنگ برگشته)
- ۱) ب - الف - ج ۲) ج - الف - د ۳) ب - ج - د ۴) ج - ب - د

۴۷۲- قطعه شعر زیر، سروده کدام شاعر دوره معاصر است؟

«بایامیدی گنجه قوشی اوخوردی / آداخلی قیز بیگ جوزابی توخوردی / هر کس شالین بیر باجادان سوخوردی / آی نه گوژل قایدادی شال سالاماق / بیگ شالینا بایراملیغین باغلاماق»

- ۱) ملک‌الشعراى بهار ۲) میرزاده عشقی ۳) محمدحسین بهجت ۴) ایرج‌میرزا

۴۷۳- کدام گزینه دربرگیرنده شعری است که آن را «بیانیه شعر نو» در ادبیات فارسی دانسته‌اند؟

- ۱) و این منم / زنی تنها / در آستانه فصلی سرد / در ابتدای درک هستی آلوده زمین / و یأس ساده و غمناک آسمان / و ناتوانی این دست‌های سیمانی
 ۲) کفش‌هایم کو / چه کسی بود صدا زد سهراب؟ / آشنا بود صدا مثل هوا با تن برگ / مادرم در خواب است / و منوچهر و پروانه و شاید همه مردم شهر
 ۳) ققنوس، مرغ خوش‌خوان، آوازه جهان / آواره مانده از وزش بادهای سرد / بر شاخ خیزران / بنشسته است فرد
 ۴) [افسانه]: من بر آن موج آشفته دیدم / یگانه‌تازی سراسیمه، [عاشق]: آما / من سوی گل‌عداری رسیدم / درهمش گیسوان چون معما / هم‌چنان گردبادی مشوش
- ۴۷۴- یادداشت زیر را نویسنده در شامگاه یکی از روزهای کدام ماه و سال شمسی به نگارش درآورده است؟

«دعوت‌نامه را برای چهارم تا دوازدهم ماه تنظیم کرده بودند. امروز با وجود سردرد مختصری، رفتم. با ملک‌الشعراى بهار که ریاست کنگره را عهده‌دار بود، چند صندلی فاصله داشتم و از جایی که نشسته بودم علامه دهخدا را خوب می‌دیدم. میلانی و مَحْصَص هم جزء هیأت رئیسه بودند. حجازی و عباس اقبال و عبدالعظیم قریب و فیاض و خیلی‌ها آمده بودند. صادق هدایت و جلال هم. چوبک هم. به‌آذین و دیگران. می‌گفتند سرجمع، هفتاد و هشت نفر می‌شوند. از در بزرگ باغ خانه فرهنگ شوروی که می‌آمدیم بیرون، هنوز صحبت از کار اسفندیاری بود: «آی آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید». خواند و عجیب گرفت.»

- ۱) آبان ۱۳۰۴ ۲) شهریور ۱۳۲۰ ۳) تیرماه ۱۳۲۵ ۴) مرداد ۱۳۳۲

۴۷۵- کدام ویژگی در قطعه شعر زیر یافت نمی‌شود؟

«سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت / سرها در گریبان است / کسی سر بر نیارد کرد پاسخ‌گفتن و دیدار یاران را / نکه جز پیش پا را دید نتواند / که ره تاریک و لغزان است / و گر دست محبت سوی کس یازی / به اکراه آورد دست از بغل بیرون / که سرما سخت سوزان است»

۱) کهن‌گرایی ۲) استفاده از ردیف در شعر ۳) اجتماعی‌بودن شعر ۴) دوری از نمادپردازی

۴۷۶- شخصیت توصیف‌شده در کدام عبارت، زمینه‌های گرایش به رمان‌نویسی و نثر داستانی را به معنای نوین آن، در زبان فارسی پدید آورد؟

- ۱) این جمله هدایت معروف است که: «من همان قدر از شرح حال خود رم می‌کنم که در مقابل تبلیغات آمریکایی مآبانه.»
 ۲) علوی خودش در این مورد می‌گوید: «بعضی چیزها را احساس می‌کنید رگ و پی شما را می‌تراشد، دل شما را آب می‌کند.»
 ۳) جلال زبان خودش را دارد و سادگی خودش را: «هر بهار توی باغچه‌هاش لاله‌عباسی کاشته بودم؛ سر حوضش آن قدر ظرف شسته بودم.»
 ۴) این عبارت، به خوبی موضع طالبوف را درباره این قشر نشان می‌دهد: «اکثر متمولین، این مغربیان متمدن‌نمای خوش‌ظاهر، مثل موش صحرایی دور عالم را می‌گردند که هر جا انبار جدیدی پر از حیوانات ثروت پیدا کنند، همراهان خود را دعوت نمایند.»

۴۷۷- در نمونه زیر از شعر انقلاب اسلامی، کدام‌یک از ویژگی‌های نام‌برده در گزینه‌ها، برجسته نیست؟

«فرض است فرمان‌بردن از حکم جلودار گر تیغ بارد، گو ببارد نیست دشوار
 جانان من برخیز! بر جولان برانیم زان‌جا به جولان تا خط لبنان برانیم
 فرمان رسید: این خانه از دشمن بگیرد تخت و نگین از دست اهریمن بگیرد
 یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد ای یاوران! باید ولی را یآوری کرد»

۱) تکریم شهید و فرهنگ شهادت ۲) محکوم‌کردن بی‌عدالتی
 ۳) ستایش آزادی و آزادی‌خواهان ۴) ترسیم افق‌های روشن و امیدبخش پیروزی

۴۷۸- سراینده کدام بیت به درستی معرفی نشده است؟

- ۱) از خون جوانان وطن لاله دمیده
 ۲) در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست
 ۳) باز امشب ای ستاره تابان نیامدی
 ۴) دامن محبت را گر کنی ز خون رنگین
- از ماتم سرو قدشان سرو خمیده: عارف قزوینی
 در آن وجود که دل مرده، مرده است روان: فروغ فرخزاد
 باز ای سپیده شب هجران نیامدی: محمدحسین بهجت
 می‌توان تو را گفتن پیشوای آزادی: فرخی یزدی



بخش سوم

آرایه های ادبی

ترصیع

درس نهم - پایه دهم

✓ **معرفی و مرور** «ترصیع» این است که همه واژه‌های دو مصراع، در برابر هم قرار بگیرند، به شرطی که هر دو واژه معادل، دست کم با هم «سجع متوازی» بسازند.^۱

در ترصیع، مهم، هم وزن و هم پایان بودن تمام «جفت‌واژه» هاست. وجود حتی دو واژه معادل که سجع ندارند یا وجود حتی یک مورد سجع متوازن، ترصیع را خراب می‌کند، حتی اگر همه «جفت‌واژه‌ها» ی دیگر، کاملاً تکرار شده باشند یا سجع متوازی داشته باشند.

نمونه	تحلیل
آستانی است حضرتت پر بار آسمانی است شوکتت دُربار	واژه‌ها دوبه‌دو تکرار یا سجع متوازی دارند.
باغ گویی عنبر سارا بود راغ گویی دلبر رعنا بود	واژه‌ها دوبه‌دو تکرار یا سجع متوازی دارند.
دانه باشی مرغکانت برچند غنچه باشی کودکانت برکنند	واژه‌ها دوبه‌دو تکرار یا سجع متوازی دارند.
گلِ دم‌سرد دریغ است بر او می‌گذری دل بی‌درد دریغ است در او می‌نگری	واژه‌ها دوبه‌دو تکرار یا سجع متوازی دارند.
به بالای ایوان او راغ نیست به پهنای میدان او باغ نیست	واژه‌ها دوبه‌دو تکرار یا سجع متوازی دارند.

برای نشان دادن چگونگی معادل هم قرار گرفتن واژه‌ها در ترصیع و نوع شباهت هر «جفت‌واژه» یک نمونه را بررسی می‌کنیم:

امل گوید که آمد رهبر من اجل گوید که آمد خنجر من

مصراع اول	امل	گوید	که	آمد	رهبر	من
	↓	↓	↓	↓	↓	↓
مصراع دوم	اجل	گوید	که	آمد	خنجر	من
نوع سجع و همانندی	متوازی	تکرار	تکرار	تکرار	متوازی	تکرار

شروط ترصیع

- وجود دست کم، سجع متوازی میان واژه‌ها
 - معادل (دوبه‌دو) بودن واژه‌هایی که سجع متوازی یا تکرار دارند.
 - ترصیع، تقابل سجع‌های متوازی و تکرار است؛ کم‌تر از سجع متوازی قابل قبول نیست، اما بیشتر از آن (تکرار واژه)، پذیرفته است.
 - حداقل هم‌آهنگی دو واژه در ترصیع، متوازی بودن است؛ بنابراین، اگر حتی یک مورد از «جفت‌واژه»‌های مقابل هم، سجع متوازی یا تکرار نداشته باشند (مثلاً آن یک مورد، سجع متوازن باشد)، ترصیع در کل بیت از بین می‌رود.
- هر یک از شروط ترصیع که وجود نداشته باشد، ترصیع وجود ندارد.

غلط‌اندازها

غلط‌اندازها مواردی هستند که شباهت بسیاری به ترصیع دارند و به همین دلیل هم، توانایی زیادی دارند که ذهن را به اشتباه بیندازند. این موارد را با ترصیع‌های واقعی اشتباه نگیری! مهم‌ترین غلط‌اندازها در آرایه ترصیع:

- اشتباه گرفتن ترصیع با «گروهی از جفت‌واژه‌های مسجع و غیرمسجع»:
ای فدای تو هم دل و هم جان وی نثار رخت هم این و هم آن (نه ترصیع و نه موازنه)
- اشتباه گرفتن ترصیع با موازنه:
اهل دین را به توسل استظهار اهل کین را به توسل استیصال (موازنه و نه ترصیع)

ترصیع در نیم‌مصراع‌ها

مانند چیزی که در موازنه دیدی، این‌جا هم، نیم‌مصراع‌ها می‌توانند ترصیع بسازند، انگار که مصراع را بیت فرض کنیم و واژه‌های دو نیمه آن را معادل هم قرار دهیم. روشن است که در این حالت، واژه‌ها دوبه‌دو، سجع متوازی یا تکرار دارند.

نمونه ماه تویی سما منم شاه تویی گدا منم

تحلیل ماه = شاه / تویی = تویی / سما = گدا / منم = منم

۱- دست بالایش این است که یک یا چند واژه عیناً در هر دو تا مصراع، تکرار شده باشد.

ترصیع در نثر

این جا هم مانند موزانه، نثر می تواند بستر سجع های دوبه دو باشد. ترصیع در نثر این است که عبارت را بتوانیم به دو بخش تقسیم کنیم، با واژه هایی که دوبه دو تکرار شده اند یا سجع متوازی دارند.

نیک بخت آن که خورد و کِشت و بدبخت آن که مُرد و هِشت.

عبارت اول	نیک بخت	آن	که	خورد	و	کِشت
	↓	↓	↓	↓	↓	↓
عبارت دوم	بدبخت	آن	که	مُرد	و	هِشت
نوع سجع و همانندی	متوازی	تکرار	تکرار	متوازی	تکرار	متوازی

انواع ترصیع

ترصیع از نظر «ریخت و ساختار» دسته بندی هایی دارد که به شناخت این آرایه و درک جزئیات و پیچیدگی های آن و در نتیجه، به پاسخگویی درست، کمک می کنند؛ در جدول، یک دسته بندی کلی را درباره «ریخت شناسی» ترصیع معرفی می کنیم و آن هم، از این نظر که رابطه «جفت واژه»ها در ترصیع، بیشتر شامل سجع متوازی است یا تکرار.

ریخت شناسی ترصیع		
نوع	در شعر	تحلیل
بیشتر، متوازی	ای منوّر به تو نجوم جلال	به و تو: تکرار/ بقیه: متوازی
بیشتر، تکرار	یکی از جمله آفات رویش	رویش و خویش: متوازی/ بقیه: تکرار

آرایه مرتبط: موزانه

آرایه مرتبط با ترصیع، بیشتر از همه «موزانه» است؛ یعنی این بیشترین آرایه ای است که ترصیع با آن اشتباه گرفته می شود. شباهت ترصیع با موزانه: وجود «جفت واژه»های مسجع در هر دو تفاوت ترصیع با موزانه: در ترصیع، همه «جفت واژه»ها، یا دارای سجع متوازی اند و یا دقیقاً تکرار شده اند، ولی در موزانه، دست کم یک «جفت واژه» سجع متوازن دارند.

باورهای درست و غلط

درباره ترصیع، باورهای درست و غلطی وجود دارد که مهم ترین آن ها را در جدول می بینی. باورهای درست را یاد بگیر و باورهای غلط را اگر به گوشت خورده، دور بریز!

باور غلط	باور درست	شاهد
در ترصیع، همه سجع ها متوازی اند.	در ترصیع، دست کم همه سجع ها متوازی اند. ^۱	بشر ماورای جلالش نیافت بصر منتهای جمالش نیافت
سجع پایانی می تواند متوازی نباشد. ^۲	اگر حتی یک سجع، متوازی نباشد، ترصیع نداریم.	تیره پیش فضایل تو نجوم خیره پیش شمایل تو شمال
نیم مصراع ها ترصیع دارند.	نیم مصراع ها لزوماً ترصیع ندارند.	نور تویی سور تویی دولت منصور تویی

نگاه طراح به ترصیع

تأثیر طراح و تأثیر سلیقه او و خطای او در طراحی سؤال از آرایه ترصیع به این صورت است که گاهی نکات ظریفی را که ممکن است ترصیعی را به هم بزنند، نمی بیند. یادت باشد که این طور بیت ها را در صورت ضرورت و در تنگنای گزینه ها ناچار باید دارای ترصیع به شمار بیوری! مهم ترین مواردی که در طراحی گزینه ها، به طور ویژه مورد توجه طراح است:

- دقت تو و طراح:** برخلاف موزانه، ترصیع در آزمون، ممکن است آن روشنی و سادگی را نداشته باشد و نمونه های موزانه با شباهت بالا را طراح، ترصیع تصور کرده باشد. جایی که دقت طراح کم تر است، دقت تو باید بیشتر باشد.
- ترصیع و موزانه:** معمولاً ترصیع را در گزینه ها در کنار موزانه می آورند، تا در کنار بیت های بدون موزانه، یا بیت های بدون سجع و بی ربط! در واقع، اشتباه گرفتن ترصیع و موزانه است که می تواند سؤال را تا حدی دشوار کند، و گرنه تشخیص هر کدام به تنهایی و در میان گزینه های نامربوط، سخت نیست.

۱- یعنی این کم ترین هم آهنگی و شباهت لازم است و می تواند کلمات تکراری هم وجود داشته باشد.

۲- مثلاً در غزل و قصیده و قطعه که در بیت های میانی نه مصراع های یک بیت با هم، بلکه مصراع های زوج بیت ها با هم، هم قافیه اند.

انواع مجاز

مجاز از نظر «موضوع» و نیز از نظر «ریخت و ساختار» دسته‌بندی‌هایی دارد، اما چیزی که به درد پاسخگویی به سؤال بخورد، شناخت علاقه‌های مجاز و گونه‌های مختلف آن است. مهم‌ترین علاقه‌های مجاز را در ادامه، به تفکیک در جدول می‌خوانی:

علاقه‌های مجاز			
علاقه	شرح	نمونه	در شعر
جزء	گفتن جزء به جای کل	دیو بود مجاز از انگشتر	دییو بود طالب نگین سلیمان طفل بود در هوای صورت مانی
کل	گفتن کل به جای جزء	دست مجاز از انگشت	دست در زلف تو زد دیوانه‌وار من نمی‌دانم چه سر دارد دلم
ظرف	گفتن ظرف به جای محتوا	سر مجاز از قصد	سر آن دارم کامروز بر یار شوم بر آن دلبر دُردی‌کش عیار شوم
محتوا	گفتن محتوا به جای ظرف	می مجاز از جام	گهی می در کف و گه دوست در بر نشاط مهر در دل باده در سر
سبب	گفتن سبب به جای رویداد	دم مجاز از سخن	گفتا که اگر وصال ما می‌طلبی گر می‌کشمتم دم مزن و آه مکن
ابزار	گفتن ابزار به جای عمل	زبان مجاز از سخن	مرد زبان بود پیر معتکف ما رفت و کسی نیست گوش‌جان‌بسپارم
همراهی	گفتن چیزی به جای همراهش	خون مجاز از کشتن	برخیز ز قصد خون خلقان تا بر سر تو فرو نیاید
شباهت ^۱	گفتن چیزی به جای مشابهش	سرو مجاز از یار	سهی سرو من تا ز چشمم برفت به یکبارگی آبم از جوی برد

آرایه مرتبب: استعاره

آرایه مرتبب با مجاز، بیشتر از همه «استعاره» است، تا آن‌جا که استعاره مصرّحه، از یک نظر، خودش نوعی مجاز است: مجاز به علاقه شباهت. شباهت مجاز با استعاره: استعاره مصرّحه، مجاز به علاقه شباهت است: رسته بودم مه من چند گه از زاری دل (مه: استعاره و مجاز از معشوق) تفاوت مجاز با استعاره: مجاز، علاقه‌ها و انواعی دارد و هر استعاره‌ای را نمی‌شود مجاز و هر مجازی را نمی‌شود استعاره در نظر گرفت.

باورهای درست و غلط

درباره مجاز، باورهای درست و غلطی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها را در جدول می‌بینی. باورهای درست را یاد بگیر و باورهای غلط را اگر به گوشت خورده، دور بریز!

باور غلط	باور درست	شاهد
هر استعاره‌ای مجاز است.	استعاره مصرّحه را مجاز در نظر می‌گیریم.	ابر گریست (مجاز ندارد).
مجاز و کنایه، با هم وجود ندارند.	آرایه‌ها را جداگانه بررسی می‌کنیم.	قصد خونم کرد (خون: مجاز/ قصد خون کردن: کنایه)
مجاز را از مفهوم کلی می‌فهمیم.	مجاز را با جایگزینی می‌فهمیم.	هر دم (دم را با «لحظه» جایگزین می‌کنیم).

نگاه طراح به مجاز

تأثیر طراح و تأثیر سلیقه او و خطای او در طراحی سؤال از آرایه مجاز به این صورت است که گاهی مجازهای حرفه‌ای و پیچیده را نمی‌فهمد و ممکن است آن‌ها را معنی حقیقی واژه یا آرایه‌های دیگری تصور کند. یادت باشد که این‌طور مجازها را در صورت ضرورت و در تنگنای گزینه‌ها ناچار باید نادیده بگیری! مهم‌ترین مواردی که در طراحی گزینه‌ها، به طور ویژه مورد توجه طراح است:

۱. مجازهای کنکوری: معمولاً تعداد محدود و مشخصی از مجازها در آزمون مورد سؤال‌اند و طراح، اطلاعات گسترده‌ای نسبت به علاقه‌ها و نمونه‌های متنوع مجاز ندارد.
۲. جایگزینی: راه تشخیص مجاز، جایگزین کردن معنی حقیقی واژه با ظاهر آن است. این جاست که مجاز بودن یا نبودن و همین‌طور وجود کنایه به جای مجاز، مشخص می‌شود.

۱- مجاز به علاقه شباهت، همان است که به آن «استعاره مصرّحه» می‌گوییم.

۷۲۰- تحلیل گزینه‌ها از آرایه‌های ابیات زیر، در کدام مورد غلط است؟

- «به این عجزم چه از خاک حیا پرورد برخیزد؟» مگر مشت عرق از من به جای گرد برخیزد
 مگو سهل است عاشق را به نومی‌دی علم گشتن چه ها از پا نشیند تا یک آه سرد برخیزد
 به مقصد برد شور یک جرس صد کاروان محمل بمباش از ناله غافل گر همه بی‌درد برخیزد»
 (۱) در بیت اول، تنها یکی از دو آرایه استعاره مصرّحه و مجاز یافت می‌شود.
 (۲) در بیت دوم، هر دو آرایه کنایه و حس‌آمیزی دیده می‌شود.
 (۳) در بیت سوم، مجاز وجود دارد و متناقض‌نما وجود ندارد.
 (۴) در هیچ بیتهی آرایه تضاد به کار نرفته است.

۷۲۱- بر اساس آرایه‌های ابیات زیر، کدام گزینه را می‌توان عبارت درستی به شمار آورد؟

- «شیم آهی ز دل در حسرت قاتل برون آمد سرشک از دیده بال‌افشان‌تر از بسمل برون آمد
 ندارد صرفه عزت مقام خود نفهمیدن سخن صد پیش پا خورد از زبان کزد دل برون آمد
 سراغ عافیت کم بود در وحشتگه امکان طلب از آبله فالی زد و منزل برون آمد
 رهایی نیست از هستی به غیر از خاک‌گردیدن از این دریای عبرت هر که شد ساحل برون آمد»
 (۱) در بیت اول، آرایه‌های استعاره مصرّحه و مکنّیه وجود دارد.
 (۲) در بیت دوم، آرایه‌های تشخیص و مجاز به چشم می‌خورد.
 (۳) در بیت سوم، آرایه‌های اضافه تشبیهی و اسلوب معادله یافت می‌شود. (۴) در بیت چهارم، آرایه‌های حسن تعلیل و استعاره مصرّحه وجود دارد.

۷۲۲- درباره آرایه‌های ابیات زیر که به ترتیب به هر بیت نسبت داده شده‌اند، کدام گزینه قضاوت درستی ندارد؟

- «خجلم ز حسرت پیری‌ای که ز چشم تر نکشد قدح ستم است داغ خمار شب به دم سحر نکشد قدح
 ز شرار کاغذم آب شد تب و تاب عشرت می‌کشی که به فرصت مژه بستنی کسی این قدر نکشد قدح
 ز بنای عالم رنگ و بو اثر ثبات طرب مجو که در این چمن ز می وفا گل بی‌جگر نکشد قدح
 ز غنا و فقر هوس‌کشان به خراب باده فسون مخوان که به هیچ صوت پر و تهی غم خشک و تر نکشد قدح
 به خیال چشم تو می‌کشم ز هزار خمکده رنگ می قلم مصور نرگست چه کشد اگر نکشد قدح»
 (۱) بیت اول - بیت سوم: واج‌آرایی - مجاز
 (۲) بیت دوم - بیت پنجم: کنایه - مجاز
 (۳) بیت سوم - بیت پنجم: استعاره مصرّحه - استعاره مکنّیه
 (۴) بیت دوم - بیت چهارم: مجاز - حس‌آمیزی

۷۲۳- در کدام گزینه برداشت نادرستی از ابیات و نکات ادبی آن‌ها صورت گرفته است؟

- «نیاز جلوه دارم حیرت آینه پروردی ز دیوان نگاه امشب برون آورده‌ام فردی
 به روی چهره امکان من آن سنگ سبک‌پایم که هر کس می‌رود از خویش، می‌خیزد ز من گردی
 بیا زاهد طریق صلح کل هم عالمی دارد تو و تسبیح، ما و می‌کشی، هر کاری و مردی
 به جیب بی‌خودی دارم سراغ شعله جولانی چو اخگر در شکست رنگ پیدا کرده‌ام گردی»
 (۱) «دیوان نگاه» اضافه تشبیهی است و «فرد و دیوان» مراعات نظیر دارند.
 (۲) شاعر به سنگ همانند شده و از خویش رفتن، تعبیر کنایی است.
 (۳) «عالم» مجاز از مردم عالم است و تسبیح و می‌کشی، رابطه‌ای تضادگونه دارند.
 (۴) «اخگر» هم در ساختن تشبیه و هم در ساختن استعاره نقش ایفا کرده است.

۷۲۴- آرایه‌های ادبی در کدام گزینه به درستی معرفی نشده‌اند؟

- «امروز کیست مست تماشای آینه؟ کز ناز موج می‌زند اجزای آینه
 دیوانه جمال تو گر نیست از چه رو جوهر کشیده سلسله در پای آینه؟
 از شرم آن‌که آب نشد از نظاره‌ات گرداب خجالت است سراپای آینه
 شد عمر صرف آینه‌داری ولی چه سود؟ نگرفت بینوا دل ما جای آینه»
 (۱) دو مصراع بیت اول، به ترتیب، دارای کنایه و استعاره مکنّیه هستند. (۲) دو مصراع بیت دوم، به ترتیب، دربردارنده کنایه و ایهام‌اند.
 (۳) دو مصراع بیت سوم، به ترتیب، شامل کنایه و مجاز هستند. (۴) دو مصراع بیت چهارم، به ترتیب، دارای کنایه و تشخیص‌اند.

۷۲۵- کدام گزینه به درستی بیانگر آرایه‌های ادبی ابیات زیر نیست؟

- «شهید خنده زخم که تیغ همدم اوست کباب گلشن داغم که شعله شبم اوست
 شکار ناز غزالی است ناتوان دل من که رنگ دهر به فتراک بسته رم اوست
 تو را به ملک ملاحه سزد سلیمانی از آن نگین تبسم که غنچه خاتم اوست»
 (۱) شهیدبودن و سلیمانی کاربرد کنایی دارند. (۲) ناتوانی دل و همدمی تیغ نمونه جان‌بخشی است.
 (۳) شبنم و خاتم در جایگاه مشبّه‌به قرار گرفته‌اند. (۴) ناز غزال و ملک ملاحه اضافه تشبیهی‌اند.

بخش چهارم

قرابت
معنایی

مبانی تحلیل متن

درس اول - پایه دهم

فضای مفهومی درس بیت‌ها و عبارت‌های درس، گروهی از مفاهیم غنایی و تعلیمی را در بر می‌گیرد. در شعر روباه و صیاد، ابیات، بیشتر، از نوع ادبی غنایی، با موضوع «توصیف» اند و در نمونه نثر، عبارت‌ها تعلیمی‌اند. «ارزشمندی دل، توکل، سنجیده‌گویی و توصیه به شکیبایی» از مهم‌ترین مفاهیم این درس هستند.

مفاهیم برجسته		
مفهوم	اجزا	نمونه
ارزشمندی دل	معرفی	درباره جایگاه دل، به عنوان قرارگاه عشق و معنویت صحبت می‌کند. دل است که به وجود خاکی آدمی زاد ارزش می‌دهد. دل است که عشق و معشوق را می‌فهمد. دل است که قرارگاه خداوند و عشق ازلی و ابدی به او می‌شود.
	بیت الگو	به دل می‌گفت: با دل نیست بازی کنون باید به کارم حیل‌سازی
	متناسب	بدین خردی که آمد حبه دل خداوند دو عالم راست منزل
	غلط‌انداز	دل مسکین مرا نیست در این جا قدری زان که صد دل چو دل خسته من هست این جا
توکل	معرفی	سپردن اراده و خیر و صلاح خود به دست یک نیروی بزرگ‌تر، دل‌دادن به چیزی که خداوند مقدر کرده. توکل به معنی دست روی دست گذاشتن و هیچ کاری نکردن و تنبلی خود را به عهده خدا گذاشتن نیست!
	بیت الگو	هر که زین گلشن، لبی خندان‌تر از گل بایدش خاطر ی فارغ ز عالم چون توکل بایدش
	متناسب	از توکل می‌توان آمد سلامت برکنار کشتی ما را خدا از ناخدا دارد نگاه
	غلط‌انداز	به دوش توکل مننه بار خود را ولی نعمت خویش کن کار خود را
سنجیده‌گویی	معرفی	این که قبل از سخن گفتن، درست و غلط حرف را بسنجی و اصطلاحاً آن را «مزمزه» کنی. سنجیده‌گویی زیرمجموعه مضامین مربوط به «سخن» و عنوان‌های دیگرش، «پرورده‌گویی» و «کم‌گویی و گزیده‌گویی» است.
	بیت الگو	هر که می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود بر زبان، بند گرانی از تأمل بایدش
	متناسب	سخن کم‌گفتن و اندیشه‌کردن به از بسیارگویی پیشه‌کردن
	غلط‌انداز	مصلحت نیست ز شیرین‌سخنان خاموشی زنگ آینه بود طوطی اگر لال شود
شکیبایی	معرفی	توصیه به صبر و تحمل و بردباری و خویش‌داری؛ معمولاً جایی به صبر توصیه می‌شود که شخص، گرفتار دردی، بلایی، مشکلی، هجرانی، چیزی باشد. گاهی هم، به ثمره این «صبر» که «کامیابی» است، اشاره می‌شود.
	بیت الگو	صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش
	متناسب	گرچه رنجوری صبوری کن که در دام فنا هر چه آید بر سر فرزند آدم بگذرد
	غلط‌انداز	تشنگی در خواب ممکن نیست کم گردد ز آب نیست صبر از خون عاشق چشم فتان تو را

پرستش‌های چهارگزینه‌ای

(فاج ۱۴۰۱)

۷۲۶- مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان است؟

از کنار ابر تا دریا تنزل بایدش
پیداست حبابی چه نفس داشته باشد
شکسته باش چو خواهی تو را ظفر بخشند
صدف ز ساده‌دلی مخزن گهر باشد
نشان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا

«قطره آبی که دارد در نظر گوهرشدن
(۱) از مردم کم‌ظرف نیاید سفر بحر
(۲) شده است موج به بحر از شکستگی غالب
(۳) ز نقش، باد به دست است موج دریا را
(۴) گواه رهرو آن باشد که سردش یابی از دوزخ

تست‌های ترکیبی قرابت معنایی

بخش اصلی

۸۶۱- کدام بیت با بیت زیر مفهوم یکسانی دارد؟

- «مرا رضای تو باید نه زندگانی خویش
(۱) خصمی که تیر کافرش اندر غزا نکشت
(۲) فردا که خاک مرده به حشر آدمی کنند
(۳) گر دوست بنده را بکشد یا بپرورد
(۴) گر کام دوست کشتن سعدی است باک نیست

۸۶۲- کدام بیت فاقد مفهوم بیت زیر است؟

- «نرگس از چشمک‌زدن شد فتنه در صحن چمن
(۱) سوسن و گل آسمانی مجلسی آراستند
(۲) بود لرزان شعله شمعی در آغوش نسیم
(۳) در چمن پروانه‌ای آمد ولی ننشسته رفت
(۴) شهر پرنگامه از دیوانه‌ای دیدم رهی

۸۶۳- همه ابیات با بیت زیر ارتباط مفهومی دارند؛ به جز

- «تنور لاله چنان برفروخت باد بهار
(۱) شکوفه شور فکنده است در گلستان‌ها
(۲) زمین شده است ز برگ شکوفه سیمین‌تن
(۳) خوش است فصل بهاران شراب‌نوشیدن
(۴) گشود سبزه به دست نیاز دامن شوق

۸۶۴- کدام بیت، مفهومی نظیر بیت زیر در ذهن ایجاد می‌کند؟

- «دل بپرداز ز هر نقش که در عالم هست
(۱) صبا خاک وجود ما بدان عالی‌جناب انداز
(۲) آینه از نقش تو بنمود راست
(۳) عارفان از دیدن حسن مجاز آسوده‌اند
(۴) داشت چشم باز عالم را سیه در دیده‌ام

۸۶۵- بیت زیر با همه ابیات تقابل مفهومی دارد؛ به جز

- «مرغ دل تا هوا گرفت و رمید
(۱) چه بال و پر گشاید در دل چون چشم مور من؟
(۲) ای که مرا بازاری از سر کوی
(۳) دلی که در قفس سینه طوف کعبه کند
(۴) گویند مرا برو از این کوی

۸۶۶- عبارت زیر با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- «حیات از عشق می‌شناس و ممت بی‌عشق می‌یاب.»
(۱) آتش گل همیشه‌بهار است عشق را
(۲) گر برآرد عشق دود از عقل، جای رحم نیست
(۳) از عشق محال است که دل‌ها نشود آب
(۴) هر چه جز گوهر عشق است در این بحر کف است

۸۶۷- مفهوم بیت «هر که می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود/ بر زبان، بند گرانی از تأمل بایش» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) کنون چه جای صبوری؟ که مهربان مرا
(۲) هر که خواهد که در این مملکت انگشت خلاف
(۳) کم گوی و گزیده گوی چون در
(۴) زبان بگشای چون گل روزکی چند
فلک ربود به دستان تیر و کید قمر
بر خطایی بنهد، گو برو انگشت بخای
تا ز اندک تو جهان شود پر
کز این کردند سوسن را زبان‌بند

(سراسری نوبت اول ۱۴۰۲)

- اگر مراد تو قتل است وارهان ای دوست
خونش بریخت ابروی همچون کمان دوست
ای باد خاک من مطلب جز به کوی دوست
تسلیم از آن بنده و فرمان از آن دوست
اینم حیات بس که بمیرم به کام دوست

(سراسری نوبت اول ۱۴۰۲)

- شیوه‌های چشم جادوی توام آمد به یاد
روی و موی مجلس‌آرای توام آمد به یاد
لرزش زلف سمن‌سای توام آمد به یاد
با حریفان قهر بی‌جای توام آمد به یاد
از تو و دیوانگی‌های توام آمد به یاد

(سراسری نوبت اول ۱۴۰۲)

- که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد
شده است خوان زمین گم در این نمکدان‌ها
گشوده است بغل باغ از خیابان‌ها
به روی سبزه و گل همچو آب غلتیدن
شکوفه عشوه ببارید و سرو ناز آورد

(فارج ۱۴۰۰)

- بعد از آن آینه پیش نظر یار بیار
بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم
خود شکن آینه‌شکستن خطاست
تشنه خم کی شود از شیشه و پیمانه سیر؟
تا نظر بستم ز دنیا عین بینایی شدم

(فارج ۹۹)

- باز با آشیان نمی‌افتد
پری‌زادی که باشد چون قفس ملک سلیمان
ترک چمن کار عندلیب نباشد
چو مرغ قبله‌نما در غم رهایی نیست
دل گم کردم کجا روم باز؟

(فارج ۹۹)

- پروانه را به سیر گلستان چه حاجت است؟
خانه زنبور کافر مستحق آتش است
هر گل که در این باغ بود خرج گلاب است
هر حیاتی که نه در عشق سرآید تلف است

۹۱۷- موضوع کدام بیت «نکوهش بی بصیرتی» است؟

- ۱) گر مر او را این نظر بودی مدام
- ۲) گر خدا خواهد نگفتند از بطر
- ۳) دید از زاریش کاو زار دل است
- ۴) گرچه تفسیر زبان روشن‌گر است

۹۱۸- سراینده در کدام گزینه «نکوهش غفلت» را مورد توجه قرار داده است؟

- ۱) هر که خصم اندر او کمند انداخت
- ۲) متفق می‌شوم که دل ندهم
- ۳) خواب نوشین بامداد رحیل
- ۴) مهر مهر از درون ما نرود

۹۱۹- مفهوم مشترک همه ابیات را می‌توان «طلب عنایت» نامید، جز در گزینه

- ۱) یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا
- ۲) نور تویی سور تویی دولت منصور تویی
- ۳) حجره خورشید تویی خانه ناهید تویی
- ۴) روز تویی روزه تویی حاصل دریوزه تویی

انتخاب عنوان

۹۲۰- کدام گزینه عنوان مناسب‌تری برای نام‌گذاری مضمون عبارت زیر است؟

- «پس عبدالمطلب گفت که ایها القلک، من خداوند آشترم، نه خداوند خانه؛ و مر این خانه را خداوندی هست و او خود، خانه خود را نگاه دارد.»
- ۱) توکل
 - ۲) آزادی
 - ۳) مناعت طبع
 - ۴) پاکبازی

۹۲۱- کدام گزینه مفهوم بیت زیر را به درستی نشان می‌دهد؟

- «هر چه بر نفس خویش نپسندی»
- ۱) نفی نفس‌پرستی
 - ۲) توصیه به دادگری
 - ۳) دعوت به عبرت‌پذیری
 - ۴) نکوهش کینه‌توزی

۹۲۲- کدام گزینه می‌تواند عبارتی شایسته برای توصیف مضمون بیت زیر باشد؟

- «عالم همه عابدند و معبود یکی است»
- ۱) وحدت وجود
 - ۲) توصیه به خداپرستی
 - ۳) ضرورت تغییر نگرش
 - ۴) توحید

۹۲۳- کدام گزینه معرف پیام عبارت زیر است؟

- «بترسید و اندیشید که اگر بازگردم، راسو در من آویزد و اگر بر جای قرار گیرم، بوم فرود آید و اگر پیش روم، گربه در راه است. با خود گفت: در بلاها باز است و انواع آفت به من محیط، و راه، مخوف و با این همه، دل از خود نشاید برد.»
- ۱) گریز از مهلکه، مایه ننگ است.
 - ۲) بلاکشی لازمه کامیابی است.
 - ۳) حفظ آرامش در شرایط خطر
 - ۴) نکوهش دست روی دست گذاشتن

مفهوم، برابر بیت

۹۲۴- مفهوم روبه‌روی کدام بیت، درست آمده است؟

- ۱) ز منجیق فلک سنگ فتنه می‌بارد
 - ۲) نه سبو پیدا در این حالت نه آب
 - ۳) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟
 - ۴) یارب این آتش که بر جان من است
- من ابلهانه گریزم در آبگینه‌حصار: «جبرگرایی»
خوش ببین و الله اعلم بالصواب: «تحیر و سرگشتگی»
بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک: «عدم آسودگی»
سرد کن زان‌سان که کردی بر خلیل: «تمتای عشق»

(فارج ۱۴۰۰)

۹۲۵- مفهوم کدام بیت در مقابل آن نادرست آمده است؟

- ۱) هیچ چیزی نیست ز آهن سخت‌تر
 - ۲) کامجویان را ز ناکامی چشیدن چاره نیست
 - ۳) دام عقل است آن که چشمش می‌پرد بهر شکار
 - ۴) پسته‌ها را لعل می‌گونت گریبان چاک کرد
- هم بنا بر آب دارد درنگر: «فناپذیری»
بر زمستان صبر باید، طالب نوروز را: «تحمل سختی»
چشم دام عشق از سیمرغ و از عنقا پر است: «مدمت دنیاطلبی»
تلخ شد از چشم شوخت خواب بر بادام‌ها: «برتری جمال معشوق»

(سراسری ۹۹)

تست‌های ترکیبی جامع مباحث علوم و فنون ادبی

بیت در سؤال

۹۴۲- کدام گزینه اطلاعات نادرستی درباره نکات فنی و ادبی بیت زیر ارائه می‌کند؟

- «دم‌بهدم مرغ دل‌م نعره برآرد ز نشاط
 (۱) بیت، نمی‌تواند بیت آغازین یک غزل، قصیده یا قطعه باشد.
 (۲) مضمون بیت، امیدواری به وصال است.
 (۳) در بیت، آرایه‌های تشبیه، استعاره، جناس و مجاز به کار رفته‌اند.
 (۴) بیت، روی هم، ۴ اختیار وزنی دارد.»

۹۴۳- تحلیل کدام گزینه درباره بیت زیر صحیح نیست؟

- «صوفی از زلف تو گر یک سر مو دریابد
 (۱) بیت، دارای دو گونه متفاوت از اختیار وزنی است.
 (۲) در بیت، آرایه تضاد به چشم نمی‌خورد.
 (۳) خرقه بفروشد و در حلقه زنار آید»
 (۴) در بیت، اختیار زبانی تغییر کمیت مصوت وجود دارد.
 (۴) مفهوم بیت، تقابل عشق و زهد است.»

۹۴۴- در کدام گزینه توصیف نادرستی از نکات و اشارات بیت زیر صورت گرفته است؟

- «مرغی که بود بلبل بستان‌سرای شوق
 (۱) در بیت، آرایه تشبیه به کار رفته و نه استعاره مکنیه.
 (۲) در بیت، جناس همسان دیده می‌شود و نه واژه‌آرایی.
 (۳) در بیت، اختیار زبانی وجود دارد و نه اختیار وزنی.
 (۴) در بیت، سخن از وخیم‌شدن شرایط است و نه بهبود آن.»

۹۴۵- با توجه به بیت زیر، تحلیل ارائه‌شده در کدام گزینه نادرست است؟

- «چون تو آگه نیستی از چشم شب‌پیمای من
 (۱) بیت، برخوردار از آرایه استعاره مکنیه است.
 (۲) در بیت، تنها یک اختیار وزنی به کار رفته است.
 (۳) «اندوه هجران» عنوانی مناسب برای مضمون این بیت است.
 (۴) سراینده در شعر خود، مصرعی از پروین اعتصامی را تضمین کرده است.»

۹۴۶- در کدام گزینه توصیف نادرستی از داده‌های بیت زیر، به چشم می‌خورد؟

- «برگ نسرین تو را بی خار می‌یابم هنوز
 (۱) بیت در بحر رمل مثنی محذوف سروده شده است.
 (۲) دو واژه نسرین و خار کارکرد متضاد دارند.
 (۳) توصیف طراوت معشوق موضوع اصلی بیت است.
 (۴) فعل «می‌یابم»، دچار اختیار وزنی ابدال شده است.»

۹۴۷- قضاوت کدام گزینه درباره قلمروهای مختلف ادبی در بیت زیر، درست نیست؟

- «کارم از بی‌سیمی ار چون زر نباشد گو مباحش
 (۱) عبارت «گو مباحش» ردیف بیت است.
 (۲) این‌که «کار شاعر چون زر نباشد»، بیانی کنایی است.
 (۳) در واژه «بی‌سیمی»، مصوت بلندی وجود دارد که بنا بر اختیار، کوتاه خوانده می‌شود.
 (۴) شاعر تنگدستی و ناکامی ظاهری خود را بی‌اهمیت می‌داند.»

۹۴۸- کدام گزینه اطلاعات درستی درباره نکات بیت زیر به دست می‌دهد؟

- «دوری از ما مکن ای چشم بد از روی تو دور
 (۱) در بیت، روی هم، سه اختیار زبانی به کار رفته است.
 (۲) بیت آراسته به آرایه‌های «تشبیه» و «اسلوب معادله» است.
 (۳) شاعر، به فراق معشوق مبتلاست و دل خود را توصیه به صبر می‌کند.
 (۴) جایگزین‌شدن «روی تو» با «رویت»، یک اختیار وزنی به بیت اضافه می‌کند.»

بیت در گزینه

۹۴۹- در کدام گزینه «اختیار وزنی» و «آرایه‌های مجاز، تشبیه و استعاره مکنیه» دیده می‌شود؟

- (۱) وقت صبح شد بیار آن خور مه‌نقاب را
 (۲) ماه به قلب آسمان چون بفرورد از افق
 (۳) وقت سحر که بلبله قهقهه بر چمن فکند
 (۴) بس که بسوزد از غمش این دل سوزناک من
 از قدح دوآتشی خیز و روان کن آب را
 در خوی خجلت افکند چشمه آفتاب را
 ساغر چشم من به خون رنگ دهد شراب را
 دود برآید از جگر ز آتش دل کباب را

۹۵۰- کدام گزینه دربرگیرنده همه موضوعات «مفهوم تقابل عشق و آسایش - تبدیل مصوت کوتاه به بلند - آرایه تضاد» است؟

- (۱) جانا خبرت هست که در مجلس اصحاب
 (۲) از بس که فشاندیم در از چشم گهرریز
 (۳) در پاش فکندم سر شوریده از آن روی
 (۴) یاران به خور و خواب به سر برده همه شب
 تا روز نخفتیم من و شمع جگرتاب؟
 شد صحن گلستان صدف لؤلؤ خوشاب
 کاو بود که می‌سوخد دلش بر من از اصحاب
 وان سوخته فارغ ز خور و چشم من از خواب

۹۸۸- کدام گزینه قضاوت نادرستی درباره علوم و فنون ادبی دارد؟

- «آگاهی از خیال خودم بی‌نیاز کرد
چون آه کرد رهگذر ناامیدی‌ام
کو زحمت فراق و کدام انبساط وصل
کلفت‌زدای کینه دل‌ها تواضع است
(۱) در یکی از بیت‌ها، هیچ‌یک از دو مصراع، اختیار وزنی ندارند.
(۲) در یکی از بیت‌ها، آرایه اسلوب معادله دیده می‌شود.
(۳) در یکی از بیت‌ها هر سه نوع اختیار زبانی به کار رفته است.
(۴) در یکی از بیت‌ها، مفهوم خاکساری مورد توجه شاعر قرار گرفته است.

۹۸۹- محتوای کدام گزینه درباره قلمروهای مختلف مورد نقد در ابیات زیر، درست نیست؟

- «نیست پروانه من قابل پهلوی چراغ
یأس بر عافیت احرامی دل می‌خندد
آبیاری چمن عشق‌گداز است این‌جا
غافل از مرگ به افسون امل نتوان زیست
(۱) در قلمرو زبانی، در ابیات، نمونه حذف به قرینه معنوی دیده نمی‌شود.
(۲) در قلمرو ادبی، یکی از ابیات دارای همه آرایه‌های «پارادوکس - کنایه - استعاره مکتبه - تشبیه» وجود دارد.
(۳) در قلمرو فکری، «ستایش پاکبازی» و «نکوهش آرزوی دور و دراز» از مضامین موجود در شعر است.
(۴) در موضوع تعیین نوع ادبی، نشانه‌های ادبیات تعلیمی و غنایی در ابیات به چشم می‌خورد.

۹۹۰- معیارهای علوم و فنون ادبی، تحلیل کدام گزینه را درباره ابیات زیر تأیید نمی‌کند؟

- «از این حسرت قفس روزی دو می‌سندید آزادم
خرد بیهوده می‌سوزد دماغ فکر تعمیرم
به طوفان رفته شوقم ز آرامم چه می‌پرسی؟
امید تلخ‌کامان وفا شیرینی‌ای دارد
خبر از خود ندارم لیک در دشت تمنایت
(۱) در ابیات اول و پنجم حذف همزه به چشم می‌خورد.
(۲) در ابیات دوم و سوم، به ترتیب، مفاهیم «تقابل عشق و عقل» و «تقابل عشق و آسایش» یافت می‌شود.
(۳) در بیت چهارم، هر سه گونه اختیار زبانی، نمونه دارد.
(۴) در ابیات، به ترتیب، آرایه‌های «مجاز، تشبیه، کنایه، تلمیح، تضاد» به کار رفته است.

۹۹۱- دانستنی‌های ادبی در کدام گزینه مطابق با ویژگی‌های ابیات زیر نیست؟

- «نشد از حسرت داغت جگرم تنها خشک
منت چشمه خضر آینه‌پرداز تری است
وقت آن شد که ز بی‌آبی ابر احسان
بس که افسردگی افسون تحیر دارد
(۱) بیت اول، سه نوع اختیار وزنی و بیت آخر، دو نوع اختیار زبانی دارد.
(۲) بیت دوم، آرایه تلمیح و بیت سوم، آرایه حس آمیزی دارد.
(۳) یکی از مضامین مورد اشاره در ابیات، از رونق افتادن کرم و بخشش است.
(۴) در هیچ‌یک از ابیات آرایه اسلوب معادله دیده نمی‌شود.

۹۹۲- از دیدگاه علوم و فنون ادبی، کدام گزینه درباره ابیات زیر نادرست است؟

- «الهی پاره تمکین رم وحشی‌نگاهان را
به محشر گر چنین باشد هجوم حیرت قاتل
چه امکان است خاک ما نظرگاه بتان گردد؟
ز شوخی‌های جرم خویش می‌ترسم که در محشر
(۱) در بیت‌ها، نگاه، «وحشی»، مژگان، «برگشته» و دل، «شکسته» توصیف شده است.
(۲) اسلوب معادله در بیت سوم، به صورت «بیان موردی» در مصراع اول و «ارائه مصداق کلی» در مصراع دوم است.
(۳) هیچ‌یک از درون‌مایه‌های شعر دوره بیداری در ابیات دیده نمی‌شود.
(۴) حذف ردیف شعری از بیت‌ها، بحری با ارکان سالم را تبدیل به بحر محذوف می‌کند.

۹۹۸- اطلاعات کدام گزینه نمی‌تواند توصیف درستی از نکات ابیات زیر باشد؟

- ندیده‌ام رخ خوب تو روزکی چند است
به یک نظاره به روی تو دیده خشنود است
یکی گره بگشای از دو زلف و رخ بنمای
مبر ز من که رگ جان من بریده شود
مرا چو از لب شیرین تو نصیبی نیست
مرا که دیده به دیدارت آرزومند است
به یک کرشمه دل از غمزه تو خرسند است
که صد هزار چو من دلشده در آن بند است
بیا که با تو مرا صد هزار پیوند است
از آن چه سود که لعل تو سربه‌سر قند است؟
- (۱) در یکی از بیت‌ها آرایه موازنه مورد استفاده شاعر قرار گرفته است.
(۲) در میان ابیات، مفهوم «خرسندی به کم‌ترین بهره‌مندی از یار» به چشم می‌خورد.
(۳) در مصرع اول از بیت دوم، با تغییر عبارت «خشنود است» به عبارتی هم‌وزن، آسیمی به ردیف و قافیه شعر وارد نمی‌شود.
(۴) در همه بیت‌ها اختیار «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» به کار رفته است.

۹۹۹- تحلیل ارائه‌شده در کدام گزینه نادرست است؟

- ای فرس با تو چه رخ داده که خود باخت‌های؟
راست گو تخت سلیمان شده بر باد مگر؟
دیده‌ای کشته مگر تشنه لبش بر لب آب؟
تو به چشمان خود آغشته به خونش دیدی؟
فاش گو برق که آتش زده بر خرمن تو؟
- (۱) در مصراع‌های ۵ و ۷ و ۹ واژه پایانی، اختیار وزنی دارد.
(۲) در مصراع‌های ۲ و ۴ و ۶ اختیار زبانی دیده می‌شود.
(۳) در هر سه بیت فرد، آرایه «کنایه» به کار رفته است.
(۴) در هر دو بیت زوج، آرایه «واژه‌آرایی» به چشم می‌خورد.

۱۰۰۰- در هر گزینه پنج بخش وجود دارد که به ترتیب مربوط به ابیات اول تا پنجم، و شامل تحلیل موضوعات مختلف علوم و فنون ادبی است. کدام گزینه اطلاعات نادرستی در بر دارد؟

- «مرا ترکی است مشکین‌موی و نسرین‌بوی و سیمین‌بر
چو گردد رام و گیرد جام و بخشد کام و تا بد رخ
دهانش تنگ و قلبش سنگ و صلحش جنگ و مهرش کین
چه بر ایوان، چه در میدان، چه با مستان، چه در بستان
چو آید رقص و دزدد ساق و گردد دور نشناسم
- (۱) تشبیه - جناس - متناقض‌نما - حس آمیزی - کنایه
(۲) حذف همزه - حذف همزه - تغییر کمیت مصوت - حذف نون ساکن - حذف همزه
(۳) قاعده ۲ قافیه - بحر هزج - ارکان سالم - وزن دوری - دو نوع دسته‌بندی هجایی
(۴) ستایش معشوق - تأثیر دلربایی یار - جور و جفای محبوب - تندخویی دلدار - از خود بی‌خودی عاشق
- شهاب، مشتری‌غیب، هلال‌ابروی و مه‌پیکر
بود گلبیز و حالت‌خیز و سحرانگیز و غارتگر
به قد تیر و به مو قیر و به رخ شیر و به لب شکر
نشیند ترش و گوید تلخ و آرد شور و سازد شر
ترنج از شست و شست از دست و دست از پا و پا از سر»

۱۰۶ ۲ در این گزینه، اختیار حذف همزه، خوانش عبارت «زُستادان» را به «زُستادان» تبدیل می‌کند. در این حالت، علاوه بر این که همزه خوانده نمی‌شود، کسره در حرف «ز» به ضمه تبدیل می‌شود: «زُ»
پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱):** ز اندازه ← زنده (تغییر مصوت کوتاه «ب» به «ز»)
گزینه (۲): که امروز ← کمروز (مصوت کوتاه «ب» تغییر نکرده است).
گزینه (۳): که او ← کو (مصوت کوتاه حذف شده است).

۱۰۷ ۳ در این گزینه، مصراع دوم را به دو صورت می‌توان خواند: یک بار با اختیار «تبدیل مصوت کوتاه به بلند» در یک هجا و یک بار با همین اختیار، اما در هجای دیگر! دقت کن که خوانش متفاوت، وزن را تغییر نمی‌دهد و دقت کن که هر دوی این اختیارات را نمی‌توان با هم در مصراع اعمال کرد. برای درک بهتر موضوع، تقطیع هجایی مصراع را براساس این دو خوانش ببین:

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
دم	کر	ظ	ن	ت	ق	عش	ر	ت	د	در
-	-	-	U	U	U	-	U	U	-	-
مفاعیلن			مفاعیلن			مفعول				

اختیار زبانی: تبدیل مصوت کوتاه به بلند در هجای ۷

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
دم	کر	ظ	ن	ت	ق	عش	ر	ت	د	در
-	-	-	U	U	U	-	U	U	-	-
مفاعیلن			مفاعیل			مفعول				

اختیار زبانی: تبدیل مصوت کوتاه به بلند در هجای ۶

۱۰۸ ۳ وزن غزل: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

علائم هجایی غزل: U - / - - U - / - - U - / - - U - / - - U -
 علائم هجایی گزینه‌ها:

گزینه (۱): پریشان: U - -

گزینه (۲): حیات: U - U / - - U - / - - U - / - - U - / - - U -

گزینه (۳): می‌شنوم: - U U -

گزینه (۴): ریختم: - U -

براساس علائم هجایی غزل، حضور واژه‌ای با دو هجای کوتاه پی‌درپی (UU)، مثلاً «می‌شنوم» در غزل امکان ندارد.

دقت کن که در گزینه (۲) هم، حضور دو هجای کوتاه که تنها یک هجای بلند میانشان فاصله باشد (مانند «حیات») در این غزل غیرممکن است، اما «حیات» می‌تواند با اختیار زبانی «تبدیل مصوت کوتاه به بلند» به صورت «حیات» (- U -) خوانده شود و در غزل به کار برود، همان‌طور که استاد شهریار سروده:
 «لیک مرگ عاشقان باشد حیات جاودانی»

۱۰۹ ۴ با توجه به وزن بیت (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن) تقطیع درست و علائم هجایی متناسب با بیت، به شکلی است که در گزینه (۴) نشان داده شده است. در بیت، دو بار اختیار «تبدیل فاعلاتن به فاعلاتن» (در ابتدای هر دو مصراع) و دو بار اختیار «بلند در نظر گرفتن هجای پایانی» (در پایان هر دو مصراع) وجود دارد. مصراع نخست بیت و علائم هجایی را در جدول می‌بینی.

۱۰۳ ۲ حذف همزه: حلقه‌ای از: حلقه‌ای یز / گوشه‌ای از: گوشه‌ای یز / تبدیل مصوت بلند به کوتاه: هجای پایانی واژه‌های «حلقه‌ای» و «گوشه‌ای» (روی هم ۴ مورد)

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱):** تبدیل مصوت کوتاه به بلند: هجای پایانی واژه‌های «سر» و «لب» (روی هم ۲ مورد)

گزینه (۳): اختیار زبانی ندارد.

گزینه (۴): اختیار زبانی ندارد.

۱۰۴ ۴ در این گزینه هجای پایانی عبارت «رشته الفت گسسته است»، یک «هجای کشیده» است، اما در هر دو تلفظ «با حذف همزه» و «بدون حذف همزه» با توجه به علائم هجایی گزینه (۴)، این هجا به غلط، هجای بلند در نظر گرفته شده است. در جدول، تقطیع و علائم هجایی همه گزینه‌ها را می‌بینی. برای تقطیع آسان‌تر و امکان مطابقت با علائم هجایی، هجاهای کشیده با دو هجای کوتاه و بلند نشان داده شده‌اند.

گزینه	تقطیع با حذف همزه	علائم هجایی
۱	می از او امز ادس ات	U - - - U U -
۲	دارا ف اتا ب ارو ایت	- - - U - U - U
۳	م انان اشاخ اشخ ا کی اد ام	- U - - - U - - - U
۴	رش ات ای ال افت ا گ اسس اتس ات	- U - - - U U - U -
گزینه	تقطیع بدون حذف همزه	علائم هجایی
۱	می از او ام از ادس ات	U - - - - U -
۲	در آ ف اتا ب ارو ایت	- - - U - U - - -
۳	من آن اشاخ اشخ ا کی اد ام	- U - - - U - - - -
۴	رش ات ای ال افت ا گ اسس ات اس ات	U - U - - - U U - U -

۱۰۵ ۲ در این گزینه ابتدا خوانش «با اختیار زبانی» و بعد خوانش «بدون اختیار زبانی» آمده است. ترتیب این دو در گزینه‌های دیگر، برعکس است. تقطیع گزینه‌ها و مقایسه دو خوانش با اختیار و بدون اختیار را در جدول می‌بینی:

عبارت	تقطیع بدون اختیار زبانی	وزن	تقطیع با اختیار زبانی	وزن
(۱) آمدی ای نازنین	آم ادی ای ای نا ز نین	فاعلاتن فاعلن	آم دی ای پی نا ز نین	مفتعلن فاعلن
(۲) بی من آخر کجا	بی امن آ اخر ا ک جا	مفعولن فاعلن	بی ام نا اخر اک جا	فاعلن فاعلن
(۳) آهوی خرامانم	آ هو ای اخ ا را ما انم	مفعول مفاعیلن	آ هو ای اخ ا را ما انم	فاعلاتن مفعولن
(۴) دل عاشق من	دل اع اش اق ا من	فعلن فعلن	دل اع اش ا ق من	فعلون فعلون

۱ ۵۴۶ واژه «خلیل» در بیت به معنی «دوست» است و ارتباطی به ماجرای زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام ندارد.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۲)**: اشاره به داستان حضرت صالح علیه السلام و معجزه ایشان

واژه «گه» در مصراع اول این گزینه به معنی «کوه» است.

گزینه (۳): اشاره به داستان رانده شدن حضرت آدم علیه السلام از بهشت

گزینه (۴): اشاره به حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

۱ ۵۴۷ همه ابیات با استفاده از آرایه تلمیح سروده شده‌اند.

پرسش عبارات به ترتیب

الف اشاره به داستان حضرت سلیمان علیه السلام و رویارویی با دیوها

ب اشاره به داستان حضرت خضر علیه السلام و آب بقا

ج اشاره به داستان حضرت یوسف علیه السلام و گم شدن ایشان

د اشاره به داستان حضرت آدم علیه السلام و خوردن گندم

ه اشاره به داستان حضرت عیسی علیه السلام و دم مسیحایی

۳ ۵۴۸ گزینه (۳) توصیف اولین و آخرین بودن خداوند است

و می‌تواند تلمیح داشته باشد به آیاتی که در آن‌ها عبارت «هو الاول و الآخر» و نظایر آن آمده است، اما عین عبارت در بیت نقل نشده و مصداق «تضمین» نیست.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱)**: مصراع دوم تضمین مصرعی از عنصری است.

گزینه (۲): مصراع دوم تضمین آیه‌ای از قرآن کریم است.

گزینه (۴): تضمین عبارت «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار»

۲ ۵۴۹ گزینه (۲) تلمیح دارد به داستان منصور حلاج، اما

نشانه‌ای از آرایه تضمین در آن دیده نمی‌شود. «دارالملک» به معنی «پایتخت» است.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱)**: بیت دوم تضمین بیتی از فردوسی است.

گزینه (۳): بیت دوم تضمین بیتی از کمال‌الدین اسماعیل است.

گزینه (۴): مصراع نخست بیت دوم تضمین حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۴ ۵۵۰ در ابیات «الف، د، و» آرایه تضمین دیده می‌شود:

الف تضمین آیه‌ای از قرآن کریم

د آوردن عین عبارت «لمن الملک»:

شیوه بیان شاعر و گفتن این‌که «جز خداوند چه کسی است که ندای «لمن الملک» بزند؟»، نشان می‌دهد که «لمن الملک» باید عبارتی از زبان خداوند باشد که در قرآن کریم آمده.

و آوردن واژه «عصی» (نافرمانی کرد) که واژه‌ای است در قرآن کریم: موضوع بیت و اشاره به ماجرای حضرت آدم علیه السلام نشان می‌دهد که «عصی» نمی‌تواند به معنی چوب‌دستی باشد، بلکه موضوع اشاره به ماجرای است.

۴ ۵۵۱ تنها در یک مورد (بیت «ب») آرایه تضمین دیده می‌شود و عبارت‌های عربی سایر گزینه‌ها کلمات و ترکیباتی ساده‌اند و لزوماً پیشینه تضمینی ندارند.

مصراع دوم بیت «ب» اشاره به آیه‌ای از قرآن کریم است. معنی عبارت‌های عربی در ابیات دیگر را ببین.

پرسش سایر عبارات

الف انعم الصباح: چه خوش صبحی / اظلم المساء: چه شب تیره‌ای

ج نیاز بیچارگان [به سوی کسی] جز به سوی تو نیست.

د سعدا: نیک‌بختان / اشقیا: بدبخت‌ها

ه یا رب: خدایا / ما مضی: آن‌چه گذشت (اعمالی که در گذشته از ما سر زده)

گزینه (۳): به علم زاده (لق ۱)، به دم زاده (لق ۲) / آدم از احمد (نشر ۱)، احمد از آدم (نشر ۲)

می‌گوید: حضرت آدم علیه السلام و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هر کدام از یکدیگر به وجود آمده‌اند: حضرت آدم از نظر دانش و مرتبه آگاهی، فرزند پیامبر اسلام است و پیامبر از نظر (آفرینش ظاهری) فرزند آدم علیه السلام و از نسل اوست.

۳ ۵۴۱ نمونه لُق و نشر موجود در بیت: برستی (لق ۱)،

بشکستی (لق ۲) / مو، دکان عطاری (نشر ۱) لب، بازار قتادی (نشر ۲) شکل مرتب‌شده بیت براساس واژه‌های مرتبط با هم در این لُق و نشر این گونه است:

تو مشکین‌موی، ز مو، دکان عطاری، برستی

[تو] شیرین‌گوی، ز لب، بازار قتادی، بشکستی

۳ ۵۴۲ ابیات گزینه (۳) لُق و نشر مشوش دارند. در سایر

ابیات، لُق و نشر از نوع مرتب است.

الف سگ (لق ۱) دربان (لق ۲) / گریبان‌گرفتن (نشر ۲)، دامن‌گرفتن

(نشر ۱)

د لب‌های شیرین (لق ۱)، پاسخ تلخ (لق ۲) / درد (نشر ۲)، درمان

(نشر ۱)

پرسش سایر ابیات

ب چشم (لق ۱)، لبان (لق ۲) / مست (نشر ۱)، میگون (نشر ۲)

ج فرزند (لق ۱)، زن (لق ۲) / خون (نشر ۱)، مغز (نشر ۲)

ه جبین (لق ۱)، زلف (لق ۲)، رخسار (لق ۳)، لب (لق ۴) / مه

روشن (نشر ۱)، شب تیره (نشر ۲)، گل سوری (نشر ۳)، می احمر (نشر ۴)

۴ ۵۴۳ بیت توصیف شکست خوردن پهلوان (سهراب) و به

خاک رسیدن پشت او تحت تأثیر «زمانه» (تقدیر) است و نشانه‌ای از بزرگ‌نمایی و اغراق ندارد.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱)**: کوه آتش / این‌که آهو به حال گوینده بگیرد.

گزینه (۲): این‌که از خروش اسب‌ها یا فضای نبرد، میدان جنگ دریده شود.

گزینه (۳): بزرگ‌نمایی در برخاستن گرد سپاه و این‌که از دریا آتش برآید.

۲ ۵۴۴ شاعر در کوچکی دهان معشوق اغراق کرده و آن را

«نیست» دانسته است. می‌گوید: کوچک‌ترین کلامی زبانت را به زحمت می‌اندازد. شیوه توصیف در گزینه‌های دیگر، مصداق آرایه اغراق نیست.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱)**: ستایش امیرالمؤمنین علیه السلام و توصیف

فتح خیبر

گزینه (۳): توصیف گریستن فراوان در فراق یار (بدون بزرگ‌نمایی)

گزینه (۴): بیان تسلط و غلبه عشق با ارائه یک مثال

۴ ۵۴۵ در بیت نشانه‌ای از تلمیح به صورت آشکار و حتی

پنهان دیده نمی‌شود.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱)**: اشاره به داستان حضرت خضر علیه السلام و

حیات جاودانه ایشان

گزینه (۲): اشاره به روایت حضرت سلیمان علیه السلام و انگشتری ایشان

گزینه (۳): اشاره به داستان رانده شدن حضرت آدم علیه السلام از بهشت

۵۹۰ ف در گزینه (۴) آرایه کنایه به کار نرفته است. با توجه به حماسی بودن موضوع بیت، پرسیدن از نام و رای و کام مخاطب معنی حقیقی دارد.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱):** دامن به دست کسی بودن کنایه از گرفتار او بودن / دامن‌فشاندن کنایه از ترک‌کردن و رهاکردن

گزینه (۲): دلسوخته کنایه از بسیار رنج‌کشیده

گزینه (۳): دل‌بردن کنایه از عاشق‌کردن / دل‌نگه‌داشتن کنایه از ترحم و عنایت

۵۹۱ ا «سبهری» با توجه به مضمون گزینه (۱) و کارکرد آن در این بیت، معنی «گناهکار» نمی‌دهد، بلکه معنی ظاهری آن «سیاه‌شده در اثر سوختگی» و معنی کنایی و عاشقانه آن «رنج‌کشیده» است.

۵۹۲ ا در همه ابیات، آرایه کنایه یافت می‌شود. مصداق‌های کنایه را در بیت‌ها به ترتیب ببین.

پرسش ابیات

الف جگر خون‌کردن / سر بر باد شدن

ب خون کسی را ریختن

ج برف سرخ از آسمان باریدن / سبز شدن بخت

د پای بر زمین آمدن / دست بر آسمان داشتن از دست کسی

ه سر بر زمین خدمت آوردن

۵۹۳ ب در گزینه (۲) آرایه مجاز وجود ندارد. شاعر به ترتیب خود را به شهر و یار خود را به گنج تشبیه کرده است. «سیلاب محبت» و «ویرانه دل‌ها» اضافه تشبیهی هستند.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱):** صد مجاز از مقدار زیاد / سنبل مجاز به علاقه شباهت (استعاره) از زلف

گزینه (۳): جام مجاز از شراب / کف مجاز از دست / سر مجاز از قصد

گزینه (۴): شهر مجاز از ساکنان شهر

۵۹۴ ا در گزینه (۱) آرایه مجاز به چشم نمی‌خورد. رفتن و اشارت‌کردن صبح، تشخیص و استعاره مکنیه، گلستان استعاره مصرّحه و «خنده‌وار» تشبیه است.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۲):** هزار مجاز از مقدار بسیار / سر مجاز از موی سر (به تعبیری)

گزینه (۳): ماه و خورشید مجاز از همه اجرام آسمانی

گزینه (۴): کتاب مجاز از قرآن کریم

۵۹۵ ب در گزینه (۲) آرایه مجاز وجود ندارد.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱):** خاک مجاز از مزار

گزینه (۳): سر (اول و سوم) مجاز از جان / سر (دوم) مجاز از قصد

گزینه (۴): خون مجاز از کشتن

۵۹۶ ا در این گزینه آرایه مجاز به کار نرفته است. «نگار» و «بهار» استعاره از «یار» هستند و «نقش به باد دادن» و «خون به خاک ریختن» کنایه است.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۲):** کف مجاز از دست

گزینه (۳): دم مجاز از سخن

گزینه (۴): سر مجاز از قصد و نیت

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱):** چشم‌داشتن روزگار و گریستن آن / مه استعاره از یار

گزینه (۳): شمع استعاره از معشوق / دود استعاره از آه / پروانه استعاره از عاشق

گزینه (۴): لعل استعاره از لب یار

۵۸۵ ف در گزینه (۴) لعل استعاره مصرّحه از لب است. در گزینه‌های دیگر، استعاره مکنیه یافت می‌شود.

در شعر مورد سؤال «تراویدن مهتاب» و «شکستن خواب» استعاره مکنیه‌اند.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱):** کام حرص: استعاره مکنیه

گزینه (۲): جان‌بخشی به باغ و سرو و سبزه و غنچه: استعاره مکنیه

گزینه (۳): ترش‌روبیدن گردون و خندیدن برق: استعاره مکنیه

۵۸۶ ف در بیت چهارم استعاره مکنیه دیده نمی‌شود. خط (دوم) استعاره مصرّحه از موی چهره است.

در گزینه‌های دیگر، نمونه‌های گوناگونی از استعاره مکنیه وجود دارد.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۱):** طلبیدن نورهان (سوغاتی) از جان

گزینه (۲): جان‌بخشی به فراق در عبارت «ز دست فراق»

گزینه (۳): جان‌بخشی به گیتی با وفاجستن از آن

۵۸۷ ا در این گزینه استعاره مکنیه وجود دارد، اما این استعاره از نوع تشخیص و جان‌بخشی نیست:

لازمه گداختن تن و جان این است که آن دو به چیزی قابل سوختن تشبیه شده باشند و سپس مشبّه‌به حذف شود و با قرینه «گداختن»، استعاره مکنیه به وجود بیاید.

همین‌طور لازمه پر و بال داشتن عاشق این است که او به پرنده‌ای تشبیه شده باشد و سپس مشبّه‌به (پرنده) حذف شود و با قرینه «پر و بال»، استعاره مکنیه ساخته شود.

در هیچ‌یک از این استعاره‌های مکنیه، مشبّه‌به، انسان نیست؛ بنابراین آرایه تشخیص ساخته نشده است.

استعاره مکنیه در هر سه گزینه دیگر از نوع تشخیص است.

پرسش سایر گزینه‌ها **گزینه (۲):** نسبت‌دادن عرض (چهره) به روز

گزینه (۳): گریستن خامه (قلم) و خاک بر سر کردن خط

گزینه (۴): سخن گفتن سرشک

۵۸۸ ا در بیت‌های «الف»، «ب»، «ج» و «ه» نمونه‌هایی از آرایه استعاره دیده می‌شود:

الف کمند و دام: استعاره از عشق

ب در آفاق و پای دل: هر دو اضافه استعاری

ج خسرو: استعاره از معشوق

ه این‌که بتوان جان را «فشانند».

پرسش سایر ابیات

د توصیف بی‌همتایی معشوق، بدون کاربرد استعاره

۵۸۹ ا در همه ابیات مورد سؤال، استعاره دیده می‌شود.

پرسش ابیات

الف گردون: استعاره از آسمان / جان‌بخشی به آتش

ب جان‌بخشی به زلف و چشم

ج سنبل استعاره از زلف / نرگس استعاره از چشم

د حقه لعل استعاره از لب

ه نرگس استعاره از چشم / پسته استعاره از دهان